

راهنمای آمارهای مالی دولت (GFS2014)

دارایی‌های مالی و بدهی‌ها



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی

مجموعه گزارش شماره ۴۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان		راهنمای آمارهای مالی دولت (GFS, 2014) دارایی‌های مالی و بدهی‌ها
کد شناسه	۱۴۰۴-۹-۱۰۴۷۰	
گروه پژوهشی	نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی	
ترجمه	بهاره فهیمی	
ناظران علمی	یدالله ابراهیمی‌فر و علی درویشی	
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری	
تاریخ انتشار	بهار ۱۴۰۴	
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.		
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.		
آدرس: تهران - خیابان استاد نجات‌اللهی - خیابان استاد جعفر شهری (سپند) - پلاک ۱۶		
شماره تماس: ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰	شماره پیام‌رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
آدرس سایت: https://www.cdrf.ir/		

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	أ
مقدمه	۱
۱- دارایی‌های مالی و بدهی‌ها.....	۳
۱-۱- طلای پولی (طلای در اختیار مقامات پولی) و حق برداشت مخصوص	۴
۱-۱-۱- طلای پولی	۴
۱-۱-۲- حق برداشت مخصوص.....	۷
۲- پول رایج و سپرده‌ها	۸
۳-۱- اوراق بدهی	۱۰
۴-۱- وام‌ها.....	۱۴
۵-۱- سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۶
۵-۱-۱- سهام با حق رأی شرکت	۱۶
۵-۱-۲- واحدها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۸
۶-۱- بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد	۱۹
۶-۱-۱- ذخایر فنی بیمه غیرعمر	۲۰
۶-۱-۲- بیمه عمر و مستمری	۲۱
۶-۱-۳- حقوق بازنشستگی	۲۲
۶-۱-۴- مطالبات صندوق‌های بازنشستگی از مدیر صندوق بازنشستگی	۲۴
۶-۱-۵- تمهیدات مالی در مواجهه با فراخوان شدن ضمانت‌ها در طرح‌های ضمانت استاندارد.....	۲۴
۷-۱- مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان.....	۲۵
۷-۱-۱- مشتقات مالی	۲۵
قرارداد اختیار معامله سهام کارکنان.....	۲۷
قراردادهایی از نوع سلف	۲۸
مسائل دیگر مرتبط با مشتقات مالی.....	۲۸
قراردادهای سوپ.....	۲۸
مشتقات اعتباری.....	۲۹
پرداخت‌های جانبی.....	۲۹
۷-۲-۱- قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	۳۰
۷-۳-۱- سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۳۱
۲- خالص ارزش (کل دارایی منهای کل بدهی)	۳۳

- ۳- اقلام یادداشتی..... ۳۵
- ۳-۱- خالص ارزش مالی..... ۳۵
- ۳-۲- بدهی..... ۳۶
- ۳-۲-۱- بدهی ناخالص..... ۳۶
- بدهی ناخالص به ارزش بازار..... ۳۷
- بدهی ناخالص به ارزش اسمی..... ۳۷
- بدهی ناخالص به ارزش مندرج در اوراق بدهی..... ۳۷
- ۳-۲-۲- بدهی خالص..... ۳۷
- ۳-۲-۳- وام‌های ترجیحی..... ۳۸
- ۳-۳- معوقات..... ۳۸
- ۳-۴- بدهی‌های مشروط صریح..... ۳۹
- ۳-۴-۱- نگاه کلی..... ۳۹
- ۳-۴-۲- ضمانت‌های موردی..... ۴۱
- ۳-۵- خالص تعهدات ضمنی برای مزایای آتی تأمین اجتماعی..... ۴۳
- ۳-۶- دارایی‌هایی از جنس وام‌های مشکوک‌الوصول به ارزش بازار..... ۴۴
- ۴- طبقه‌بندی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی معامله‌گران بر اساس بخش نهادی..... ۴۵
- ۵- طبقه‌بندی تعهدات بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متناظر با ابزارهای بدهی بر اساس سررسید..... ۴۷

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱: طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بر اساس ابزار و محل سکونت نفر مقابل.....	۵
جدول ۲: طبقه‌بندی اقلام یادداشتی ترازنامه.....	۳۵
جدول ۳: طبقه‌بندی متناظر دارایی‌های مالی و بدهی‌های بر اساس بخش نهادی طرف متناظر.....	۴۷
جدول ۴: طبقه‌بندی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی مربوط به ابزارهای بدهی بر اساس سررسید و نوع ابزار بدهی.....	۴۹

پیشگفتار

نظام آمارهای مالی دولت (GFS) در سال ۱۹۸۶ از طرف صندوق بین‌المللی پول پایه‌گذاری شد و بر اساس تجربه‌های گذشته طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۴ مورد بازنگری قرار گرفت. هدف اصلی این نظام، تهیه چارچوب جامع مفهومی و حسابداری مناسب برای تحلیل و ارزیابی سیاست‌های مالی، به خصوص عملکرد کل بخش دولت و در سطحی وسیع‌تر بخش عمومی هر کشور می‌باشد؛ بنابراین اجرای این سیستم گامی اساسی در جهت جمع‌آوری و ارائه داده‌های آماری استاندارد و قابل مقایسه با دیگر کشورها، بهبود سیستم‌های حسابداری و شفاف‌سازی عملیات دولت است.

بر اساس تفاهم‌نامه منعقد شده بین سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، تدوین چارچوب و بسترسازی اجرای نظام آمارهای مالی دولت مطابق آخرین نسخه صندوق بین‌المللی پول (GFS2014) با هدف تهیه مستندات ذیل در دستور کار قرار گرفت:

- طبقه‌بندی اقتصادی منابع مالی دولت (درآمدها)
- طبقه‌بندی اقتصادی اعتبارات هزینه‌ای
- طبقه‌بندی وظیفه‌ای بودجه عمومی دولت
- طبقه‌بندی اقتصادی دارایی‌های غیرمالی
- طبقه‌بندی اقتصادی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی

به منظور عملیاتی نمودن اهداف فوق، کمیته‌های پنج‌گانه در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری تشکیل و بر اساس الگوی مورد نظر و بررسی مستندات و داده‌های دریافتی از امور هماهنگی و تلفیق بودجه سازمان، خروجی‌های مربوطه مطابق برنامه‌ها و جلسات زمان‌بندی شده در سازمان برنامه و بودجه و با حضور متخصصان، ارزیابی گردید. در این گزارش طبقه‌بندی اقتصادی منابع مالی دولت (درآمدها) که پس از بررسی‌های کارشناسی و رفع ایرادات مورد تصویب قرار گرفت، جهت بهره‌برداری تقدیم می‌شود.

در پایان از تعاملات مناسب و حضور فعال متخصصان سازمان برنامه و بودجه و دیگر دستگاه‌های مرتبط و همچنین مشارکت جدی پژوهشگران، کارشناسان و مدیران مرکز در تهیه و تدوین این مجموعه ارزشمند تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

سیدمهدی پاک‌ذات

رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

مقدمه

دارایی‌های مالی عمومی به دارایی‌های مالی در اختیار بخش دولتی اعم از نهادهای دولتی و مؤسسات عمومی اطلاق می‌شود که جزء مهمی از موقعیت مالی کلی یک کشور در نظر گرفته می‌شوند. این دارایی‌ها از یک‌سو در تأمین مالی دولت برای عملیات مختلف از جمله خدمات‌رسانی عمومی، توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی نقش اساسی دارند و از سوی دیگر به عنوان یک تکیه‌گاه در مواقع شوک‌های اقتصادی و حصول اطمینان از توانایی دولت برای انجام تعهدات مالی خود، برای تثبیت اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین در فرایند درآمدزایی برای دولت، دارایی‌های مالی از طریق مواردی چون بهره، سود سهام یا عایدی سرمایه به درآمد دولت اضافه نموده و می‌تواند بر برنامه‌ریزی در خصوص هزینه‌های عمومی نیز تأثیرگذار باشد.

همچنین، دولت‌ها می‌توانند از دارایی‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی، مدیریت بدهی و اجرای سیاست‌های پولی و تنظیم عرضه پول نیز استفاده کنند. در مجموع، دارایی‌های مالی عمومی برای تضمین ثبات مالی و عملکرد دولت ضروری است و دولت را قادر می‌سازد تا به تعهدات خود عمل نماید و اهداف سیاستی خود را تحقق بخشد.

از سوی دیگر آگاهی دولت از سهم دارایی‌ها و مقایسه آن با بدهی‌ها در اقتصاد داخلی نسبت به بازیگران غیردولتی نیز می‌تواند نشانه‌ای از نفوذ دولت در بازارهای مالی به عنوان وام‌گیرنده و وام‌دهنده باشد. تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌های مالی اطلاعاتی در مورد ظرفیت دولت برای انجام تعهدات مالی خود ارائه می‌دهد، به نحوی که کاهش ارزش خالص مالی دولت در طول زمان نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت مالی است.

با توجه به ابعاد تأثیرگذار این دارایی‌ها برای کشورها، شناخت و طبقه‌بندی دارایی‌های مالی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. طبقه‌بندی و شناسایی انواع دارایی مالی به درک ترکیب سبد مالی دولت کمک می‌کند و مدیریت مؤثر و گزارش‌دهی را تسهیل می‌نماید. به‌طور کلی، شناسایی و طبقه‌بندی دارایی‌های مالی عمومی برای حفظ شفافیت، اطمینان از مدیریت مالی مناسب و مطابقت با استانداردهای حسابداری و گزارشگری ضروری است.

شناسایی دارایی‌های مالی عمومی شامل روش‌ها و فرایندهای مختلفی برای شناسایی دقیق و حسابداری این دارایی‌ها در سوابق مالی دولت است. به همین منظور روش‌هایی مانند شناسایی موجودی دارایی، تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، حسابرسی شامل بررسی سوابق مالی، انجام راستی‌آزمایی موجودی دارایی‌ها و تطبیق داده‌های مالی برای شناسایی هرگونه مغایرت یا بی‌نظمی از روش‌های استاندارد شناسایی دارایی‌های مالی هستند.

شناسایی دارایی‌های مالی و طبقه‌بندی آنها مستلزم شناخت دقیق و مستندسازی تمام دارایی‌های مالی متعلق به بخش دولتی و سازمان‌دهی این دارایی‌ها در دسته‌های خاص بر اساس ماهیت، هدف و ویژگی‌هایشان است.

بر اساس اهمیتی که دارایی‌های مالی عمومی دارند همواره این نیاز دیده می‌شود که اقلام مختلف آن را می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف بر اساس معیارهای متفاوت طبقه‌بندی کرد. به طور مثال می‌توان بر اساس معیارهای نقدشوندگی، مالکیت و اهداف آنها را طبقه‌بندی نمود. به‌طور کلی همه روش‌های طبقه‌بندی به سازماندهی دارایی‌های مالی عمومی بر اساس معیارهای مختلف کمک می‌کند و اطلاعات ارزشمندی را برای گزارشگری مالی، مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورد. از طرف دیگر با طبقه‌بندی دارایی‌های مالی عمومی، دولت‌ها می‌توانند بینشی عمیق‌تر برای مدیریت مالی مؤثر، بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی اقتصادی ایجاد کرد.

علاوه بر این، طبقه‌بندی دارایی‌های مالی عمومی می‌تواند شفافیت و پاسخگویی را نیز فراهم کند و به ذی‌نفعان این امکان را می‌دهد تا نحوه مدیریت و سرمایه‌گذاری وجوه عمومی را درک کنند. این امر می‌تواند به‌ویژه برای حفظ اعتماد عمومی و اعتماد به شیوه‌های مدیریت مالی دولت مهم باشد. درواقع، طبقه‌بندی مطلوب تضمین می‌کند که دارایی‌های مالی به طور مناسب در اسناد بودجه و صورت‌های مالی حسابداری و گزارش شوند.

به این منظور در چارچوب آمار مالی دولت (GFS) به عنوان یک چارچوب و سیستم استاندارد برای اندازه‌گیری و گزارش فعالیت‌های مالی، ارائه طبقه‌بندی دارایی‌های مالی در کنار سایر موارد برای درک سلامت مالی و ثبات‌بخش دولتی، ضروری تلقی می‌شود. با تجزیه و تحلیل دارایی‌های مالی در چارچوب GFS، سیاست‌گذاران، تحلیلگران و دیگر ذی‌نفعان می‌توانند وضعیت مالی کلی دولت را ارزیابی کنند و از این اطلاعات برای تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد سیاست‌های مالی، مدیریت بدهی و تخصیص منابع در بخش دولتی بهره‌مند شوند.

از این‌رو، گزارش حاصل از طریق طبقه‌بندی دارایی‌های مالی و بدهی‌ها، سعی بر آن دارد تا با ارائه یک چارچوب دقیق و جامع، راهنمایی را برای دولت‌ها در سراسر جهان در مسیر درک وضعیت مالی از جنبه موجودی دارایی مالی و بدهی متناظر با آن فراهم آورد.

۱- دارایی‌های مالی و بدهی‌ها

۷-۱۱۸ دارایی‌های مالی و بدهی‌ها در بندهای ۷،۱۵ تا ۷،۱۶ تعریف شدند. طبقه‌بندی دارایی‌های مالی و بدهی‌ها در درجه اول مبتنی بر ویژگی‌های نقدشوندگی و حقوقی ابزارهایی است که روابط و قول و قرارهای بین بدهکار و بستانکار را توصیف می‌کنند. نقدشوندگی یک ابزار مالی شامل ویژگی‌هایی مانند قابلیت مذاکره، انتقال‌پذیری، قابلیت عرضه در بازار و تبدیل‌پذیری است.

۷-۱۱۹ اوراق بهادار به ابزارهای بدهی و سهام با حق رأی گفته می‌شود که دارای ویژگی قابل مذاکره هستند؛ به عبارت دیگر، مالکیت قانونی آنها به راحتی از یک واحد به واحد دیگر با تحویل یا پشت‌نویسی اوراق منتقل می‌شود. در حالی که هر ابزار مالی می‌تواند به‌طور بالقوه مورد معامله قرار گیرد، اوراق بهادار برای مبادله و معمولاً در مرکز مبادلات سازمان یافته یا «مبادله مستقیم دست به دست بدون ثبت در مرکز مبادلات» طراحی شده‌اند (در این نوع مبادله اوراق- مبادله مستقیم- برخلاف مبادلاتی که در مراکز رسمی سازمان یافته صورت می‌گیرد، طرفین معامله به‌طور مستقیم با یکدیگر مذاکره می‌کنند). قابلیت مذاکره به شکل حقوقی ابزار بستگی دارد. برخی از اوراق بهادار قابلیت مذاکره قانونی دارند؛ اما درواقع بازار نقدی که در آن به راحتی اوراق خرید و فروش شوند، وجود ندارد. مشتقات مالی پذیرفته شده در بازار معاملات، مانند حواله‌های خرید و فروش گاهی اوقات به عنوان اوراق بهادار در نظر گرفته می‌شوند.

۷-۱۲۰ علاوه بر طبقه‌بندی دارایی‌های مالی و بدهی‌ها بر اساس ویژگی‌های ابزار مالی، این ابزارهای مالی همچنین می‌توانند بر حسب محل سکونت طرف دیگر معامله این ابزار (بدهکاران برای دارایی‌های مالی و بستانکاران برای بدهی‌ها)^۱ طبقه‌بندی گردند سکونت در بندهای ۲،۶ تا ۲،۲۱ تعریف و طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌ها بر اساس ابزار مالی در جدول ۷،۹ نشان داده شده است.

۷-۱۲۱ به دلیل اینکه یک ابزار مالی خاص هم‌زمان یک دارایی مالی و یک بدهی ایجاد می‌کند، همین توصیف‌های ابزارهای مالی را می‌توان برای هر دو مورد استفاده کرد. برای ساده‌سازی، این توصیف‌ها تنها اشاره به دارایی‌ها دارد، مگر اینکه نیاز خاصی باشد که توصیف‌ها به بدهی‌ها هم نسبت داده شود.

۷-۱۲۲ همان‌طور که در بندهای ۳،۱۱۳ و ۷،۲۰ تا ۷،۲۵ توضیح داده شد، در اصل، همه دارایی‌های مالی باید به ارزش بازار ارزیابی شوند؛ زیرا بدهکار می‌تواند دارایی را در تاریخ تنظیم ترازنامه به قیمت روز در بازار به فروش برساند، قیمتی که برای ثبت در ترازنامه مناسب و معنا دارد. در عمل، ارزش‌گذاری ابزارهای بدهی به قیمت جاری (فعلی) در تاریخ تنظیم ترازنامه به این معناست:

- اوراق بدهی بر اساس قیمت‌های بازار ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱. بحث و بررسی پیرامون ابزارهای بانکداری اسلامی و اینکه چگونه این ابزارها را می‌توان در طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌هایی مالی گنجانند در MFSM پیوست ۲ قابل مشاهده است.

- بیمه، حق بیمه بازنشستگی و انواع ضمانت‌های استاندارد بر اساس اصولی ارزش‌گذاری می‌شوند که معادل ارزش‌گذاری در نظام بازار است.
 - سایر ابزارهای بدهی به قیمت‌های اسمی ارزش‌گذاری می‌شوند که به‌طور معمول بهترین برآوردهای موجود برای قیمت‌های این ابزارها در بازار در نظر گرفته می‌شود.
- ۷-۱۲۳ برخی از دارایی‌های مالی و بدهی‌ها نوعاً مانند سپرده‌ها، اوراق بدهی، وام‌ها و سایر حساب‌های پرداختنی/دریافتنی، بدهکار را ملزم به پرداخت بهره می‌کنند. این بهره به‌طور مستمر به بدهی او اضافه می‌شود و کل مبلغی که بدهکار ملزم به پرداخت آن می‌شود را افزایش می‌دهد (به بند ۶،۶۴ مراجعه کنید).
- ۷-۱۲۴ برای محاسبه تراز کل (به بند ۴،۵۷ مراجعه شود)، طبقه‌بندی دارایی‌های مالی که در تملک واحدهای دولتی است و برای حمایت از سیاست‌های مالی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد با طبقه‌بندی دارایی‌های مالی که برای مدیریت نقدینگی خود استفاده می‌کنند، متفاوت است. تمایز بین دارایی‌های مالی که برای مقاصد سیاست عمومی و دارایی‌های مالی که برای اهداف نقدینگی تملک می‌شوند در طبقه‌بندی دارایی‌های مالی مندرج در GFS درج نشده است. این تمایز بستگی به قضاوت تحلیلگر دارد که منظور خاصی را در استفاده از دارایی‌های مالی دنبال می‌کند.^۱

۱-۱-۱- طلای پولی (طلای در اختیار مقامات پولی) و حق برداشت مخصوص (SDRs)

۷-۱۲۵ در طرف دارایی‌های مالی، این گروه شامل طلای پولی و SDRها است و در سمت بدهی‌ها فقط SDR را شامل می‌شود (به بند ۷،۱۲۸ مراجعه کنید). طرف‌های معامله این دارایی‌های مالی و بدهی، افراد یا نهادهای غیرمقیم هستند.

۱-۱-۱-۱- طلای پولی^۲

۷-۱۲۶ طلای پولی میزان طلائی است که مقامات پولی (سایر مقاماتی که مشمول کنترل مؤثر مقامات پولی می‌شوند) حق تملک بر آن دارند و به عنوان دارایی ذخیره نزد خود نگه می‌دارند. این نوع دارایی‌ها شامل شمش طلا (از جمله طلاهای محفوظ در حساب‌های اختصاصی طلا) و طلای افراد غیرمقیم محفوظ در حساب‌های غیراختصاصی طلا است که حق مطالبه طلا به آنها داده می‌شود. تمام طلای پولی به عنوان ذخیره دارایی محسوب شده یا نزد سازمان‌های مالی بین‌المللی نگهداری می‌شود.^۳

۱. همان‌طور که در جعبه ۶،۳ توضیح داده شده است، در برخی شرایط، «تزریق سرمایه یا سهام» به عنوان هزینه در نظر گرفته می‌شود، به این معنی که منجر به مطالبه مالی از بدهکاران نمی‌شود.

۲. هیچ بدهی به طلای پولی وجود ندارد؛ بدهی متقابل به طلای پولی به صورت حساب‌های طلای تخصیص نیافته با غیرمقیمان که عنوانی برای دریافت طلا دارند در قسمت سپرده‌ها طبقه‌بندی می‌شود. شمش طلا بدهی متقابل ندارد.

۳. برای بحث مفصل در مورد شمش طلا و حساب‌های طلا به بند ۵،۷۴ تا ۵،۷۸ از BPM6 مراجعه کنید.

تنها آن طلائی که به عنوان دارایی مالی و جزء ذخیره دارایی نگهداری می‌شود، به عنوان طلای پولی قابل طبقه‌بندی است؛ بنابراین، به جز در شرایط نهادی محدود،^۱ شمش طلا فقط برای بانک مرکزی یا دولت مرکزی به عنوان دارایی مالی محسوب می‌شود. سپرده‌ها، وام‌ها و اوراق بهادار پایه- طلا به ترتیب به عنوان سپرده‌ها، وام‌ها و اوراق بهادار پایه- ارز تلقی می‌شوند و به مثابه طلای پولی محسوب نمی‌گردند، مگر اینکه این موارد در حساب‌های غیراختصاصی طلا نزد مقامات پولی به عنوان ذخیره دارایی نگهداری شوند.

جدول ۱: طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بر اساس ابزار و محل سکونت نفر مقابل

۶۲	دارایی‌های مالی	۶۳	بدهی‌ها
۶۲۰۱	طلای پولی و حق امتیاز مخصوص (SDRs)	۶۳۰۱	حق برداشت مخصوص (SDR)
۶۲۰۱۱	طلای پولی		
۶۲۰۱۲	حق برداشت مخصوص		
۶۲۰۲	ارز و سپرده‌ها	۶۳۰۲	ارز و سپرده‌ها
۶۲۰۳	اوراق بدهی	۶۳۰۳	اوراق بدهی
۶۲۰۴	وام‌ها	۶۳۰۴	وام‌ها
۶۲۰۵	سهام و صندوق سرمایه‌گذاری	۶۳۰۵	سهام و سهام صندوق سرمایه‌گذاری
۶۲۰۵۱	سهام	۶۳۰۵۱	سهام
۶۲۰۵۲	سهام یا واحدهای صندوق سرمایه‌گذاری	۶۳۰۵۲	سهام یا واحدهای صندوق سرمایه‌گذاری
۶۲۰۶	بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد (GFS)	۶۳۰۶	بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد (GFS)
۶۲۰۶۱	ذخیره‌های فنی شرکت‌های بیمه‌ای غیر عمر	۶۳۰۶۱	ذخیره‌های فنی شرکت‌های بیمه‌ای غیر عمر
۶۲۰۶۲	بیمه عمر و حق سنوات	۶۳۰۶۲	بیمه عمر و حق سنوات
۶۲۰۶۳	حقوق بازنشستگی [GFS]	۶۳۰۶۳	حقوق بازنشستگی [GFS]
۶۲۰۶۴	مطالبات صندوق‌های بازنشستگی یا مدیر صندوق بازنشستگی	۶۳۰۶۴	مطالبات صندوق‌های بازنشستگی یا مدیر صندوق بازنشستگی

۱. به عنوان مثال، طلا توسط یک بانک تجاری نگهداری می‌شود؛ اما تحت کنترل مقامات پولی قرار دارد.

شرایط فراخوان شدن تضامین تحت طرح‌های ضمانت استاندارد	۶۳۰۶۵	شرایط فراخوان شدن تضامین تحت طرح‌های ضمانت استاندارد	۶۲۰۶۵
مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	۶۳۰۷	مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	۶۲۰۷
مشتقات مالی	۶۳۰۷۱	مشتقات مالی	۶۲۰۷۱
قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	۶۳۰۷۲	قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	۶۲۰۷۲
سایر حساب‌های پرداختی	۶۳۰۸	سایر حساب‌های دریافتی	۶۲۰۸
اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت	۶۳۰۸۱	اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت	۶۲۰۸۱
سایر حساب‌های پرداختی متفرقه	۶۳۰۸۲	سایر حساب‌های دریافتی متفرقه	۶۲۰۸۲
بدهکاران داخلی	۶۳۱	بدهکاران داخلی	۶۲۱
تفکیک ابزار مشابه با بالا، اما به استثنای طلای پولی و SDR	۶۳۱۲ - ۶۳۱۸	تفکیک ابزار مشابه با بالا، اما به استثنای طلای پولی و SDR	۶۲۱۲ - ۶۲۱۸
بستانکاران خارجی	۶۲۲	بدهکاران خارجی	۶۲۲
ریز اقلام ابزارهای مالی بالا	-۶۲۲۱ ۶۲۲۸	ریز اقلام ابزارهای مالی بالا	-۶۲۲۱ ۶۲۲۸

۷-۱۲۷ حساب‌های اختصاصی طلا، در این حساب‌ها مالکیت یک قطعه خاص از طلا (برای هر استفاده‌ای) بر حسب صاحب آن محفوظ است. مالکیت طلا در اختیار نهادی است که آن را برای نگهداری امن در این حساب می‌گذارد. اگر طلا در حساب‌های طلای تخصیص یافته به عنوان ذخیره دارایی نگهداری شوند این حساب‌ها تحت عنوان طلای پولی طبقه‌بندی می‌گردند. در غیر این صورت حساب‌های اختصاصی طلا را به عنوان حسابی که معرف مالکیت یک دارایی غیرمالی است، در نظر می‌گیرند. در مقابل، حساب‌های غیراختصاصی طلا معرف مطالبه صاحب طلا از متولی حافظ این حساب‌ها است که در صورت مطالبه باید به او تحویل داده شود. در این نوع حساب‌ها، ارائه‌دهنده و حافظ این حساب‌ها، موظف به حفظ پایه طلای فیزیکی است که در مقابل آن باید گواهی مطالبه طلا بر پایه طلا برای دارندگان حساب‌های طلا صادر کند. هنگامی که طلا در حساب‌های غیراختصاصی طلا به عنوان ذخیره دارایی نگهداری می‌شود، تحت عنوان طلای پولی طبقه‌بندی می‌گردد. طلا

در حساب‌های غیراختصاصی به عنوان ذخیره دارایی نگهداری نمی‌شود و تمام ارقام بدهی در حساب غیراختصاصی طلا به عنوان سپرده طبقه‌بندی می‌شوند.

۷-۱۲۸ شمش طلا در اشکال و اندازه‌های مختلف مانند سکه‌ها، شمش تخت، شمش میله‌ای با خلوص حداقل ۹۹۵ واحد طلا در هر شمش هزار واحدی ضرب می‌گردد که شامل این نوع طلاهایی است که در حساب‌های طلای تخصیص یافته نگهداری می‌شود. شمش طلا معمولاً در بازارهای سازمان یافته یا از طریق توافقات دوجانبه بین بانک‌های مرکزی معامله می‌شود. شمش طلایی که به صورت ذخیره دارایی نگهداری می‌شود تنها دارایی مالی محسوب می‌گردد که تناظری برای آن در طرف ستون بدهی‌ها وجود ندارد.

۷-۱۲۹ هر طلایی که توسط یک واحد دولتی نگهداری می‌شود و شرایط تعریف طلای پولی را برآورده نمی‌کند، به عنوان یک دارایی مالی محسوب نمی‌شود و تحت عنوان یک دارایی غیرمالی، به احتمال زیاد تحت عنوان اشیا گران بها (۶۱۳) و ممکن است به عنوان موجودی‌ها در فهرست طلای غیرپولی طبقه‌بندی شود.^۱ در بعضی موارد، بانک مرکزی ممکن است مالکیت شمش طلایی را تملک کند که به عنوان ذخیره نگه داشته نمی‌شود، مانند مواقعی که به عنوان فروشنده انحصاری طلای استخراج شده عمل می‌کند. مبادله طلا به عنوان یک وام در نظر گرفته می‌شود (برای مطالعه بند ۷، ۱۶۱).

۷-۱۳۰ طلای پولی با قیمتی که در بازارهای سازمان یافته تعیین می‌شود یا وقتی از طریق توافقات دوجانبه بین بانک‌های مرکزی مبادله می‌گردد؛ ارزش گذاری می‌شوند.

۱-۲-۱- حق برداشت مخصوص (SDRs)

۷-۱۳۱ حق برداشت مخصوص (SDRs) آن دسته از ذخیره دارایی‌های بین‌المللی هستند که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) ایجاد شده و به اعضای صندوق اختصاص داده می‌شوند تا ذخیره دارایی‌های خود را تکمیل نمایند. بخش حق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول، IMF، حق برداشت مخصوص را به کشورهای عضو IMF (که به طور کلی به عنوان مشارکت‌کنندگان شناخته می‌شوند) تخصیص می‌دهد. تخصیص حق برداشت مخصوص به هر کشور عضو به معنای یک بدهی برای کشور عضو محسوب شده و به آن بدهی بهره تعلق می‌گیرد.^۲

۷-۱۳۲ نگهداری SDR نشان‌دهنده حق غیرمشروط هر دارنده آن برای دریافت ارز خارجی یا سایر دارایی‌های ذخیره از سایر اعضای صندوق بین‌المللی پول است. این دارایی‌های مالی معرف داشتن ادعای حق از اعضای بخش حق برداشت مخصوص صندوق به طور جمعی است نه ادعای حق از صندوق بین‌المللی پول. هر

۱. طلای غیرپولی یک کالا است و اگر عمدتاً به عنوان ذخیره ارزش نگهداری شوند، در گروه دارایی‌های غیرمالی به عنوان اشیا گران بها طبقه‌بندی می‌شوند. اگر در فرایند تولید (مانند جواهرات یا دندانپزشکی) استفاده گردند به عنوان موجودی مواد و لوازم طبقه‌بندی می‌شوند.

۲. صندوق بین‌المللی پول نیز به تعداد محدودی از مؤسسات مالی بین‌المللی حق نگهداری و استفاده از SDR ها را اعطا کرده است.

مشارکت‌کننده عضو حق برداشت مخصوص می‌تواند قسمتی یا تمام حق برداشت مخصوص خود را به یک مشارکت‌کننده دیگر بفروشد و در مقابل، سایر دارایی‌های ذخیره، به‌ویژه ارز خارجی را دریافت نماید. همچنین مشارکت‌کنندگان می‌توانند از حق برداشت مخصوص برای پرداخت بدهی‌های خود استفاده کنند.

۷-۱۳۳ تخصیص SDR برای هر یک از کشورهای عضو به معنای ایجاد یک بدهی برای دریافت‌کنندگان آن است (و قسمتی از بدهی‌های بخش عمومی را تشکیل می‌دهد) و میزان SDR در اختیار هر کشور بخشی از دارایی‌های مالی بخش عمومی را تشکیل می‌دهد. تخصیص و میزان SDR در اختیار هر کشور بر مبنای مقادیر ناخالص ثبت می‌شوند. دستورالعمل‌های راهنمای آماری اقتصاد کلان مشخص نمی‌کنند که تخصیص و میزان SDR برای یک کشور باید در ترازنامه کدام نهاد دولتی ثبت شود (به عنوان مثال، در ترازنامه بانک مرکزی یا یک نهاد در کل دولت مانند وزارت مالیه یا خزانه‌داری). دلیل آن این است که SDR به اعضای صندوق بین‌المللی پول که در بخش SDR صندوق بین‌المللی پول عضویت دارند، تخصیص داده می‌شود و این بر عهده اعضا است که از ترتیبات قانونی و نهادی داخل کشور برای تعیین مالکیت SDR و ثبت میزان SDR در اختیار بخش عمومی تبعیت نمایند. از آنجا که مطالبه‌ها و بدهی‌های مالی اعضا در نظام SDR بر مبنای تعاون و همکاری پذیرفته شده است، یک گروه از کشورها و نهادهای غیرعضو صندوق (به اسم غیر مقیم‌های صندوق) باقی می‌مانند که تخصیص‌ها و میزان SDR آنها یکجا در مقابل کشورهای عضو ثبت می‌شود.

۷-۱۳۴ علاوه بر SDR به عنوان یک نوع ابزار مالی، از SDR می‌توان به عنوان واحد محاسبه نیز استفاده شود که در آن سایر ابزارهای بدهی را می‌توان بر حسب آن بیان کرد. ارزش SDR توسط IMF به صورت روزانه بر اساس سبد ارزش‌های منتخب تعیین می‌شود. برای اطمینان از سازگاری نرخ‌ها، نرخ SDR در مقابل ارزش‌های داخلی را می‌توان از IMF دریافت نمود. هم سبد ارزش‌ها و هم وزن ارزش‌های تشکیل‌دهنده یک SDR هر از چند گاهی بازبینی می‌شوند.

۱-۲- پول رایج و سپرده‌ها

۷-۱۳۵ پول رایج شامل اسکناس‌ها و سکه‌هایی است که ارزش اسمی ثابت دارند و توسط بانک مرکزی یا دولت چاپ و ضرب یا مجوز انتشار آن‌ها داده می‌شود. همه بخش‌ها ممکن است پول را به عنوان دارایی نگهداری کنند؛ اما معمولاً فقط بانک‌های مرکزی و دولت می‌توانند پول را چاپ و انتشار دهند. در برخی از کشورها، بانک‌های تجاری تحت مجوز بانک مرکزی یا دولت می‌توانند پول چاپ و منتشر کنند. پول بخشی از بدهی نهادهای منتشرکننده را تشکیل می‌دهد. پول انتشار نیافته‌ای که در اختیار یک نهاد بخش عمومی است به عنوان دارایی مالی بخش عمومی یا بدهی بانک مرکزی تلقی نمی‌شود. سکه‌های طلا و یادبود که به عنوان پول رایج یا طلای پولی در گردش نیستند به عنوان دارایی غیرمالی طبقه‌بندی شده که عمدتاً به صورت اشیاء با ارزش یا موجودی مواد و تجهیزات طبقه‌بندی می‌گردند.

۷-۱۳۶ باید تمایزی بین پول رایج داخلی که بدهی یک واحد مقیم است و ارز خارجی که بدهی واحدهای غیرمقیم است، قائل شد (برای تعریف‌های پول رایج داخلی و ارز خارجی، به بند ۳،۱۳۴ مراجعه کنید). پول رایج داخلی ارزش اسمی ثابتی دارد. ارزش ارز خارجی با نرخ ارز مورد قبول در تاریخ تنظیم ترازنامه ذی‌ربط به پول داخلی تبدیل می‌شود. نرخ استفاده شده باید نرخ میانی بین نرخ خرید و فروش آنی برای معاملات پولی باشد.

۷-۱۳۷ سپرده‌ها مشتمل بر همه مطالباتی است که به صورت سپرده نزد بنگاه‌های سپرده‌پذیر (ازجمله بانک مرکزی) و در برخی موارد، واحدهایی از کل دولت یا سایر واحدهای نهادی نگه داشته می‌شوند. سپرده معمولاً یک قرارداد استاندارد است که به‌طور کلی برای همه قابل استفاده می‌باشد و اجازه می‌دهد که مردم هر مقدار پول را در آن نگه دارند. واحدهای بخش عمومی می‌توانند انواع مختلفی از سپرده‌ها را به عنوان دارایی نگه دارند، ازجمله سپرده‌های پول خارجی. همچنین، برای یک واحد دولتی این امکان وجود دارد که بدهی را به شکل سپرده متحمل شود. به عنوان مثال، ادارات پست یا واحدهای دیگر دولتی می‌توانند از عموم مردم سپرده قبول کنند و از آن به عنوان یک فعالیت ثانویه استفاده نمایند. شرکت‌های مالی عمومی (مانند بانک مرکزی) نوعاً بدهی را در قالب سپرده ازجمله به واحدهای دولتی متحمل می‌شوند.

۷-۱۳۸ آن دسته از مطالبات مالی از صندوق بین‌المللی پول که جزء ذخایر بین‌المللی محسوب می‌شوند و ماهیت وام در مورد آنها مصداق پیدا نمی‌کند باید به عنوان سپرده طبقه‌بندی شوند (مطالبات از صندوق بین‌المللی پول که مصداق وام داشته باشند باید در گروه وام‌ها آورده شوند). حاشیه پرداخت‌های اضافی که به صورت نقدی صورت می‌گیرد مربوط به قراردادهای مشتقه مالی است که قابل برگشت می‌باشد (به بند ۷،۲۱۹ مراجعه کنید) این را نیز می‌توان ذیل سپرده‌ها طبقه‌بندی کرد.

۷-۱۳۹ حساب‌های غیراختصاصی برای فلزات گران‌بها نیز مانند حساب‌های غیراختصاصی طلا، سپرده تلقی می‌شوند، به استثنای حساب‌های غیراختصاصی طلا که توسط مقامات پولی به منظور حفظ ذخایر دارایی نگهداری می‌گردد. این دارایی در فهرست طلای پولی قرار می‌گیرد و بدهی متناظر آن به عنوان سپرده ثبت می‌شود (همان‌طور که در بند ۷،۱۵ نیز ذکر شد).

۷-۱۴۰ سپرده‌ها به دو نوع قابل انتقال یا غیر قابل انتقال تفکیک می‌شوند. سپرده‌های قابل انتقال شامل تمام سپرده‌هایی است که (۱) به محض درخواست قابل تبدیل باشد (بدون جریمه یا محدودیت) و (۲) مستقیماً برای انجام پرداخت‌های شخص ثالث از طریق چک، سفته، حواله پرداخت، مستقیماً بدهکار/ بستانکار کردن حساب یا از طریق سایر راه‌های پرداخت مستقیم قابل استفاده باشد. سپرده‌های غیر قابل انتقال شامل همه مطالبات مالی دیگر به غیر از سپرده‌های قابل انتقال هستند که با ارائه مدرک سپرده معلوم می‌شود. مثال‌هایی از سپرده‌های دیگر عبارت‌اند از سپرده‌های دیداری که امکان برداشت نقدی فوری به غیر از امکان انتقال مستقیم به شخص ثالث، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار، توافق‌نامه‌های خرید موقتی پس‌انداز و

بسیار کوتاه مدت که در شمول تعریف اشکال پول در نظام پولی کشور قرار می‌گیرند و سپرده‌های ارزی که به دلیل رعایت ملاحظات سیاست ملی در سهمیه‌بندی ارز، بلوکه شده‌اند.

۷-۱۴۱ طبقه‌بندی تفصیلی‌تر سپرده‌ها بر اساس پول داخلی یا پول خارجی ممکن است مفید باشد.

۷-۱۴۲ سپرده‌ها باید برحسب ارزش اسمی ثبت شوند. این سپرده‌ها از نظر تعیین ارزش اسمی و ارزش واقعی بازار آنها با مسائل مشابه وام‌ها مواجه‌اند (به بند ۷، ۱۶۳ مراجعه کنید). دارایی‌ها از نوع سپرده نزد بانک‌ها و سایر شرکت‌های عمومی سپرده‌پذیر در حال انحلال تا زمانی که از ترازنامه آنها خارج نشده باشند نیز باید به ارزش اسمی‌شان ثبت شود. اگر تفاوت بین ارزش اسمی و بازار آنها قابل توجه باشد، ارزش بازاری چنین سپرده‌هایی باید با ارائه یک توضیح اضافی در ترازنامه قید گردد. رفتار مشابه را می‌توان برای هر نوع سپرده مشکل‌دار (سپرده نزد شرکت عمومی سپرده‌پذیر که در وضعیت انحلال نیست؛ اما توان پرداخت بدهی خود را ندارد) به کار بست.

۱-۳- اوراق بدهی

۷-۱۴۳ اوراق بدهی ابزارهای مالی قابل مذاکره هستند که به عنوان مدرک بدهی عمل می‌کنند. معمولاً این اوراق برنامه زمان‌بندی شده را برای پرداخت اصل و فرع وام مشخص می‌نمایند. مثال‌هایی از اوراق بدهی عبارت‌اند از:

- اوراق بدهی با مدت زمانی کمتر از یک سال
- اوراق بدهی و اوراق قرضه بدون وثیقه مالی از جمله اوراق قرضه‌ای که قابل تبدیل به سهام است
- وام‌هایی که ماهیت قابل مذاکره و انتقال به فرد ثالث را دارند
- سهام یا اوراق بهادار غیرمشارکتی
- اوراق بهادار با پشتوانه دارایی و تعهدات بدهی وثیقه‌دار
- ابزارهای مشابه که معمولاً در بازارهای مالی معامله می‌شوند.

۷-۱۴۴ اوراق بدهی به عنوان اوراق بهادار (معمولاً کوتاه مدت) تعریف می‌شوند که به دارندگان آن حقوق بدون قید و شرط می‌دهد تا در تاریخ مشخص مبالغ ثابت قید شده را دریافت کنند. این اوراق در بازارهای سازمان یافته منتشر و معمولاً با تخفیف در ارزش اسمی (بسته به نرخ بهره و زمان سررسید) مبادله می‌شوند. مثال‌هایی از صورتحساب‌ها شامل اوراق خزانه، گواهی سپرده قابل معامله، حواله‌های مدت‌دار مورد پذیرش بانک، سفته‌های قابل معامله و اوراق تجاری است.

۷-۱۴۵ حواله‌های مورد پذیرش بانک (بانک عامل) زمانی ایجاد می‌شود که یک شرکت مالی در ازای دریافت کارمزد، حواله موقت یا حواله قطعی (با قید تعهد پرداخت مبلغ مشخص در تاریخ معین از طرف شرکت مالی پذیرنده) را پشت‌نویسی می‌کند. تجارت بین‌المللی اغلب به این روش تأمین مالی می‌شود. حواله‌های مورد

پذیرش بانک در دسته اوراق بدهی قرار می‌گیرد. حواله‌های مورد پذیرش بانک بیانگر یک ادعای مالی غیرمشروط از طرف دارنده آن و یک بدهی مالی بدون قید و شرط از طرف شرکت مالی پذیرنده است. در مقابل شرکت مالی یک دارایی را به دست می‌آورد، زیرا یک ادعای مالی بر مشتری خود پیدا می‌کند. این نوع حواله به محض پذیرش حکم یک دارایی مالی پیدا می‌کند حتی اگر در مرحله بعد، وجهی بابت تسویه آن پرداخت نشود.^۱

۷-۱۴۶ اوراق قرضه و اوراق بدهی بدون وثیقه، اوراق بهاداری هستند که حق غیرمشروط به دارندگان آن می‌دهد تا پرداخت‌های ثابت یا پرداخت‌های متغیر تعیین شده در قرارداد را در تاریخ یا تاریخ‌های مشخص دریافت کنند. بهره بدهی به عواید درآمدی بدهکاران بستگی ندارد. اوراق قرضه و اوراق بدهی بدون وثیقه می‌توانند ویژگی‌ها و کاربردهای مختلفی داشته باشند. به عنوان مثال، اوراق قرضه ممکن است برای شناسایی بدهی دولت بابت پرداخت حقوق بازنشستگی کارمندان دولت منتشر شود (به این نوع اوراق اغلب اوراق قرضه شناسایی می‌گویند). اوراق قرضه می‌تواند با بهره (کوپن) یا بدون کوپن منتشر شود.

۷-۱۴۷ اوراق قرضه با کوپن صفر (بهره صفر) اوراق بلندمدتی هستند که پرداخت‌های دوره‌ای در طول عمرشان به آنها تعلق نمی‌گیرد. مشابه اوراق بهادار کوتاه‌مدت، اوراق کوپن صفر با تنزیل فروخته می‌شود (به قیمت کمتر از ارزش اسمی)؛ اما در سررسید یک پرداخت کل که شامل سود است، صورت می‌گیرد.^۲ اوراق قرضه با نرخ تنزیل بالا، اوراق بلندمدتی هستند که در طول عمر این نوع ابزارهای مالی به دارنده آن به طور دوره‌ای پرداخت بهره صورت می‌گیرد، اما مقدار بهره به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از نرخ بهره بازار در هنگام انتشار این اوراق است.

۷-۱۴۸ ابزارهای مالی که مشتقات دیگر در آن گنجانده شده‌اند،^۳ به عنوان مشتقات مالی طبقه‌بندی نمی‌شوند. اگر یک ابزار مالی اولیه مانند اوراق بهادار یا وام، یک مشتقه مالی را در برداشته باشد آن ابزار مالی بر اساس ویژگی‌های اولیه خود ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی می‌شود، حتی اگر ارزش آن اوراق بهادار یا وام به دلیل دربرداشتن مشتقه مالی؛ با ارزش اوراق بهادار یا وام‌های مشابه تفاوت فاحشی داشته باشد. به عنوان مثال، اوراق قرضه شرکتی قابل تبدیل به سهام همان شرکت به اختیار دارنده اوراق قرضه و اوراق بهادار، با اختیار بازپرداخت اصل بهای اوراق به پولی‌هایی که با پول‌های پرداختی در زمان انتشار آن اوراق، متفاوت است. اگر اختیار تبدیل اوراق به سهام به طور جداگانه معامله شود، آنگاه اختیار تبدیل به عنوان یک ابزار مالی جداگانه

۱. بخش ۱ پیوست راهنمای EDS یک واژه‌نامه از ابزارهای مالی از جمله پذیرش بانکی ارائه می‌دهد.

۲. برای بحث درباره ثبت انباشت بهای بهره در اوراق بدهی کوپن صفر و با تخفیف زیاد، به پاراگراف‌های ۶،۷۱-۶،۷۲ و پیوست به فصل ۲ راهنمای PSDS مراجعه شود.

۳. مشتقه جاسازی شده زمانی به وجود می‌آید که یک ویژگی مشتقه در یک ابزار مالی استاندارد درج گردیده و از ابزار جدا نمی‌شود.

در نظر گرفته شده و به عنوان یک مشتق مالی طبقه‌بندی می‌گردد؛ بنابراین در حساب‌ها، بدهی منظور نمی‌شود.

۷-۱۴۹ وام‌هایی که (مراجعه کنید به بند ۷، ۱۵۷) از یک دارنده به دارنده دیگر قابل معامله شده‌اند، طبقه‌بندی آنها باید به دلیل ایجاد تغییرات در میزان دارایی‌ها، از وام‌ها به اوراق بدهی تغییر کند. برای این طبقه‌بندی مجدد، نیاز است مدرکی دال بر معامله آن در بازار ثانویه وجود داشته باشد، از جمله وجود بازیگران فعال در این بازار و مظنه‌هایی که در زمان فعالیت بازار برای این ابزارها ارائه می‌شود مانند دامنه مظنه‌های پیشنهادی که در بازار ارائه می‌گردد.^۱

۷-۱۵۰ سهام ممتاز یا سهام عادی غیرمشارکتی به آن دسته از سهام گفته می‌شود که درآمد ثابتی به آنها تعلق می‌گیرد؛ اما در توزیع باقی‌مانده ارزش دارایی شرکت در صورت انحلال چیزی به آنها تعلق نمی‌گیرد. این سهام به عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی می‌شود. اوراق قرضه‌ای که قابل تبدیل به سهام با حق رأی هستند نیز باید قبل از زمان تبدیل به سهام با حق رأی به عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی شوند.

۷-۱۵۱ اوراق بهادار با پشتوانه دارایی و اوراق بدهی وثیقه‌دار، ترتیباتی هستند که در آن پرداخت‌های اصل و فرع سرمایه از پشتوانه پرداخت‌های ناشی از دارایی‌ها یا جریان‌های درآمد مشخص برخوردار است. این فرایند به سهامی شدن نیز توصیف می‌شود (برای جزئیات بیشتر، به بند A۳، ۵۹-۳، ۶۶ و مراجعه کنید). اوراق بهادار مبتنی بر پشتوانه دارایی، به واسطه انواع مختلفی از دارایی‌های مالی - مانند وام رهنی و وام‌های محدود اعتباری - پشتیبانی می‌شوند. هر دستگاهی در کل دولت می‌تواند اوراق بدهی با پشتوانه برخی از جریان‌های درآمدی خاص را منتشر کند.

اوراق بهاداری که بخواهد به پشتوانه توان دولت در ایجاد درآمد مالیاتی یا سایر درآمدهای دولت منتشر شود به عنوان اوراق بهادار با پشتوانه شناخته نمی‌شود، زیرا در سیستم‌های آماری کلان اقتصادی، توانایی افزایش مالیات یا سایر درآمدهای دولت به عنوان دارایی که بتواند انتشار اوراق بهادار را پشتیبانی کند پذیرفته نشده است. با وجود این، تخصیص درآمدهای آتی برای مصارف خاص مانند دریافت‌ها از محل عوارض جاده‌ها جهت پرداخت بهره اوراق بدهی منتشره شده توسط یک دستگاه دولتی (بخش عمومی) را می‌توان شبیه سهامی‌سازی جریان‌های درآمدی دولت در نظر گرفت.

۷-۱۵۲ اوراق بهادار مبدل شده، اوراق بهاداری هستند که از اصل و فرع (بهره یا کوپن) آن به یک سری اوراق قرضه بدون بهره (کوپن صفر) با سررسیدهای منطبق با تاریخ(های) پرداخت بهره (کوپن) و تاریخ بازخرید مبلغ اصلی تبدیل شده‌اند. نقش این اوراق مبدل شده این است که ترجیحات مورد نظر سرمایه‌گذار برای

۱. یک نمونه از این وام‌ها، وام سندیکایی است که توسط گروهی از وام‌دهندگان ارائه می‌شود و توسط یک یا چند بانک تجاری یا سرمایه‌گذاری برای گروهی از متقاضیان خاص در نظر گرفته شده و مدیریت می‌شود. اگر بخش‌هایی از وام سندیکایی در بازارهای ثانویه معامله شود، این نوع وام ممکن است مشمول ضوابط طبقه‌بندی مجدد در گروه اوراق بهادار شود.

برخوردار از جریان‌های نقدی خاص به روش‌هایی متفاوت با ترکیب جریان‌های نقدی حاصل از اصل و فرع اوراق بهادار برآورده شود. دو مورد از اوراق بهادار مبدل شده وجود دارد:

- هنگامی که شخص ثالثی اوراق بهادار اولیه را خریداری می‌کند و از آن به عنوان پشتوانه برای انتشار اوراق بهادار مبدل شده (بدون کوپن) استفاده می‌کند. در این حالت یک ابزار مالی جدید به وجود آمده است.
- هنگامی که وجوه جدیدی از طریق انتشار اوراق جدید جمع‌آوری نمی‌شود؛ اما پرداخت‌ها (کوپن بهره) بر روی اوراق بهادار اولیه به اجزا دیگر تبدیل شده و به صورت اوراق جداگانه توسط ناشر یا از طریق نمایندگان آن مانند کارگزاری‌های اوراق مبدل شده که با رضایت ناشر عمل می‌کنند، منتشر می‌شود؛ در این مورد، ابزارهای مالی جدیدی وجود ندارد.

۷-۱۵۳ اوراق بهادار متصل به شاخص، ابزارهای مالی هستند که پرداخت‌های کوپن (بهره اصل اوراق) یا اصل مبلغ اوراق یا هر دو به یک قلم اطلاعات دیگر مانند شاخص قیمت، نرخ بهره یا قیمت یک کالا پیوند خورده‌اند. مسائل مربوط به اندازه‌گیری بهره اوراق بهادار متصل به شاخص در بندهای ۶،۷۵-۶،۷۸ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۷-۱۵۴ اوراق بدهی معامله شده (قابل معامله) در بازارهای مالی سازمان یافته و دیگر بازارهای مالی - مانند اوراق قرضه کمتر از یک سال، اوراق قرضه بیشتر از یک سال، اوراق قرضه بدون وثیقه، گواهی سپرده قابل معامله، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی - باید به ارزش بازار و ارزش اسمی ارزیابی شوند. اوراق بدهی به ارزش بازار در ترازنامه نشان داده می‌شوند. برای تعیین بدهی ناخالص به ارزش اسمی از ارزش اسمی استفاده می‌شود که به صورت یک قلم یادداشت در ترازنامه سیستم مالی دولتی نشان داده می‌شود. در مورد اوراق بدهی معامله شده، ارزش اسمی را می‌توان از ارزش بدهی در زمان ایجاد و به دنبال آن جریان‌های اقتصادی که شکل می‌گیرد، تعیین کرد، در حالی که ارزش بازار آن بر اساس قیمتی است که در یک بازار مالی معامله می‌شود.

۷-۱۵۵ برای اوراق بدهی که قابل معامله هستند؛ اما قیمت بازار به آسانی قابل مشاهده نیست، می‌توان ارزش بازار آن را با استفاده از روش تنزیل ارزش فعلی تخمین زد، به شرطی که بتوان از نرخ تنزیل مناسب استفاده کرد (برای جزئیات بیشتر به بند ۳،۱۲۵ مراجعه کنید). این روش و سایر روش‌های تخمین ارزش بازار در راهنمای PSDS، جعبه ۲،۲ توضیح داده شده است.

۷-۱۵۶ زمانی که اوراق بهادار در بازارهای مالی با یک دامنه قیمت خریدار و فروشنده معامله می‌شود، باید از نقطه میانی قیمت برای ارزش‌گذاری ابزار مالی استفاده شود. دامنه قیمتی، هزینه ضمنی خدمات سکوی بازار یا واسطه‌های بازار است که از سوی خریداران و فروشندگان ابزار مالی قابل پرداخت است.

۱-۴- وام‌ها

۷-۱۵۷ وام یک ابزار مالی است و زمانی ایجاد می‌شود که یک اعتباردهنده طلبکار وجوهی را مستقیماً به بدهکار قرض می‌دهد و سندی غیر قابل معامله را به عنوان یک مدرک تملک دارایی دریافت می‌کند.^۱ این گروه شامل اضافه برداشت‌ها، وام‌های رهنی، وام برای تأمین مالی اعتبارات تجاری و پیش‌پرداخت‌ها، توافقاتی بازخرید، دارایی‌ها و بدهی‌های مالی ایجاد شده توسط اجاره مالی و مطالبات صندوق بین‌المللی پول یا بدهی به این صندوق در قالب وام است. اعتبار تجاری، پیش‌پرداخت‌ها و حساب‌های پرداختی/دریافتی مشابه وام نیستند (به بند ۷، ۲۲۵ مراجعه کنید). وام‌هایی که در بازارهای ثانویه قابل فروش شده‌اند باید تحت عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی شوند. با این حال، اگر وام فقط گاهی اوقات معامله شود، دیگر تحت عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی نمی‌شود.

۷-۱۵۸ اجاره مالی شامل تخصیص وام می‌شود. اجاره مالی به یک قراردادی گفته می‌شود که بر اساس آن موجر به عنوان مالک قانونی یک دارایی، اساساً تمام خطرات و مزایای مالکیت دارایی را به مستأجر منتقل می‌کند. هنگامی که کالا تحت اجاره‌نامه مالی تحصیل می‌شود، مستأجر به یقین مالک تلقی می‌گردد، هرچند از نظر قانونی کالای اجاره‌شده در مالکیت موجر باقی بماند. دلیل آن این است که خطرات و مزایای مالکیت، عملاً به مستأجر منتقل شده است. تأمین مالی این تغییر مالکیت از طریق وام انتسابی پذیرفته شده که برای موجر به معنای دارایی و برای مستأجر به معنای بدهی است.

۷-۱۵۹ قرارداد بازخرید اوراق بهادار (ریپو) ترتیبی است که در آن اوراق بهادار به صورت نقدی با قیمت معین، با تعهد به بازخرید آن یا اوراق بهادار مشابه با قیمتی ثابت در تاریخ معین در آینده (اغلب یک یا چند روز پس از آن) یا در زمان سررسید توافقی، فروخته می‌شود.^۲ ماهیت اقتصادی این نوع معامله ماهیت وام وثیقه‌دار (سپرده^۳) است، زیرا خطرات و مزایای مالکیت اوراق بهادار نزد مالک اصلی (عرضه‌کننده اوراق بهادار) باقی می‌ماند؛ بنابراین، وجوهی که توسط گیرنده اوراق بهادار (تأمین‌کننده وجه نقد) به عرضه‌کننده اوراق بهادار (گیرنده وجه نقد) پرداخت می‌شود، به عنوان وام تلقی می‌گردد و اوراق بهادار ذی‌ربط، با وجود تغییر قانونی در مالکیت، در ترازنامه عرضه‌کننده اوراق بهادار باقی می‌ماند.

۷-۱۶۰ قرض دادن اوراق بهادار ترتیبی است که به موجب آن دارنده اوراق بهادار اوراق خود را به طرف دیگر (پذیرنده اوراق) انتقال می‌دهد، مشروط به این قید که همان اوراق یا اوراق مشابه در یک تاریخ مشخص یا در صورت تقاضای انتقال‌دهنده به او مسترد گردد مانند قرارداد بازخرید اوراق بهادار، در اینجا نیز خطرات و مزایای

۱. وجه تمایز بین وام و سپرده بر اساس نمایندگی است که در اسناد معامله قید شده است.

۲. سررسید بدون تاریخ مشخص موقعی وجود دارد که هر دو طرف معامله این گزینه را در اختیار دارند که روزانه نسبت به تمدید یا خاتمه قرارداد خود اقدام کنند.

۳. توافقاتی بازخرید که در تعریف ملی پول به معنای گسترده پول لحاظ می‌شوند، باید به عنوان سپرده‌های غیر قابل انتقال طبقه‌بندی شوند. سایر توافقاتی بازخرید اوراق باید تحت وام طبقه‌بندی گردند.

مالکیت متوجه مالک اولیه خواهد بود. اگر پذیرنده اوراق، وثیقه را به صورت نقدی ارائه دهد، آنگاه قرارداد از نوع ریپو محسوب می‌شود (بند ۷,۱۵۹ را مشاهده نمایید). اگر پذیرنده اوراق، وثیقه غیرنقدی ارائه دهد، آنگاه تغییری در وضعیت سهام (مالکیت سهام) اتفاق نمی‌افتد. در هر دو حالت، اوراق بهادار موضوع بحث در ترازنامه مالک اولیه باقی می‌ماند.

۷-۱۶۱ سواپ طلا، شامل مبادله طلا با سپرده ارزی است که طی یک قرارداد توافقی صورت می‌گیرد، به طوری که در آن برگشت معامله با قیمت توافق شده برای طلا در یک تاریخی در آینده به قوت خود باقی می‌ماند. پذیرنده طلا (عرضه‌کننده وجوه نقد) نباید طلا را در ترازنامه خود ثبت کند، در حالی که عرضه‌کننده طلا (پذیرنده وجوه نقد) نیز نباید طلا را از ترازنامه خود حذف نماید. سواپ طلا مشابه قراردادهای بازخرید اوراق بهادار است، با این تفاوت که وثیقه در این نوع قرارداد، طلا است و بنابراین باید به عنوان وام یا سپرده دارای وثیقه ثبت شود. اعطای وام‌های طلا به همان شکل ودیعه اوراق بهادار صورت می‌گیرد و باید به همان گونه با آن در ترازنامه رفتار شود.

۷-۱۶۲ سواپ اوراق مالی خارج از نظام قیمت بازار، سوابی است که ارزش اولیه آن صفر نیست، زیرا در زمان سواپ، قیمت مرجع اوراق متفاوت از ارزش بازار آن است؛ به عبارت دیگر، «قیمت خارج از بازار» تعیین می‌شود. چنین سوابی منجر به این می‌شود که یکی از طرفین مبلغی کلی را معمولاً در ابتدای قرارداد، به طرف دیگر پرداخت کند. ماهیت اقتصادی یک سواپ خارج از بازار معادل ترکیبی از استقراض (به صورت یک مبلغ کلی) و یک سواپ در بازار (مشتقات مالی) است.^۱

۷-۱۶۳ وام‌ها، به ارزش اسمی ثبت می‌شوند (میزان کل وام اولیه پرداختی به علاوه بهره‌های تعلق گرفته است؛ اما پرداخت نشده منهای بازپرداخت‌ها انجام شده). استفاده از ارزش اسمی تا حدی تحت تأثیر نگرانی‌های عملی در خصوص در دسترس بودن داده‌ها قرار دارد. به علاوه، از آنجایی که وام‌ها معمولاً به قصد انجام معامله در بازار ثانویه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، تخمین قیمت وام بر مبنای بازار ممکن است یک برآورد ذهنی باشد. ارزش اسمی نیز از این جهت مفید است که تعهدات بدهی واقعی، قانونی و نقطه شروع نحوه بازخواهی وام‌دهنده را نشان می‌دهد.

در برخی موارد، وام‌ها می‌توانند اغلب با تنزیل معامله شوند، یا یک ارزش مناسب برای آن بر مبنای بازار وجود داشته باشد یا برآورد شود. این اذعان در خصوص ارزش اسمی وام‌ها وجود دارد که وقتی وام‌ها ماهیت مشکوک الوصول پیدا کنند، تصویر ناقصی از وضعیت مالی وام‌دهنده را نشان می‌دهند. در چنین مواردی، اطلاعات در مورد ارزش اسمی و همچنین ارزش مناسب دارایی‌ها از جنس وام‌های مشکوک الوصول بر مبنای بازار باید به

۱. برای جزئیات بیشتر راهنمای PSDS به بندهای ۴-۱۲۷ تا ۴-۱۳۱ مراجعه کنید.

عنوان یک قلم توضیحی در ترازنامه نظام حسابداری مالی دولتی (GFS) گنجانده شود- به بند ۷,۲۶۲ مراجعه کنید.

۱-۵- سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۷-۱۶۴ سهام با حق رأی شرکت و سهام صندوق سرمایه‌گذاری دارای ویژگی متمایز هستند که مطالبه دارندگان آنها مطالبه از باقیمانده دارایی‌هایی است که واحد نهادی آن ابزار مالی را منتشر کرده است. سهام با حق رأی معرف وجوه صاحبان سهام نزد واحد نهادی سرمایه‌گذاری است. برخلاف بدهی شرکت، سهام با حق رأی به‌طور معمول به دارنده آن حق مالکیت به مبلغ از پیش تعیین شده یا مبلغی که طبق یک فرمول ثابتی محاسبه شده باشد، نمی‌دهد. سهام صندوق سرمایه‌گذاری به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری جمعی نقش ویژه‌ای در واسطه‌گری مالی در بین دارایی‌های دیگر دارند و باید جداگانه شناسایی شوند. هنگام محاسبه خالص دارایی یک واحد نهادی، سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری طبق قرارداد در کل بدهی‌ها لحاظ می‌شود (به بندهای ۷,۲۲۸ تا ۷,۲۳۳ مراجعه کنید).

۱-۵-۱- سهام با حق رأی شرکت

۷-۱۶۵ سهام با حق رأی شامل همه ابزارها و اسنادی است که بر مطالبه باقیمانده ارزش یک شرکت یا شبه شرکت پس از تأمین مطالبات همه طلبکاران دیگر گواهی می‌دهد. سهام با حق رأی در یک واحد نهادی انتشاردهنده (یک شرکت عمومی یا سایر واحدهای دولتی) به عنوان بدهی در ترازنامه آنها منظور می‌شود.

۷-۱۶۶ مالکیت بر سهام با حق رأی در یک نهاد قانونی معمولاً بر اساس سهام، اوراق مشارکت، رسید سپرده یا اسناد مشابه اثبات می‌شود. سهام و سهام بازار معنای یکسانی دارند. سهام ممتاز مشارکتی که معنای یکسانی دارند سهامی هستند که در صورت انحلال یک بنگاه شرکتی امکان مشارکت به دارندگان آن سهام در برخورداری از ارزش باقیمانده شرکت را فراهم می‌کند. این نوع سهام اوراق بهادار سهامداران نیز هستند بدون توجه به اینکه درآمد آن ثابت باشد یا بر اساس یک فرمول تعیین شود، سهام با حق رأی (برای سهام ممتاز غیر مشارکتی، به بند ۷,۱۵۰ مراجعه کنید). علاوه بر خرید سهام، ارزش سهام سهامداران می‌تواند تحت تأثیر گستره‌ای از عوامل مانند افزایش ارزش سهم، انباشت عایدی باز سرمایه‌گذاری شده یا توزیع نشده، یا تجدید ارزشیابی قرار گیرد. به‌علاوه، یک سرمایه‌گذار مستقیم ممکن است با ارائه کالاها و خدمات یا تقبل بدهی یک شرکت وابسته، میزان سهام با حق رأی خود را در آن شرکت افزایش دهد.

۷-۱۶۷ رسید سپرده، معرف مالکیت اوراق بهاداری است که در سایر اقتصادهای جهان پذیرفته شده‌اند. رسید سپرده‌هایی که در یک بازار بورس پذیرفته شده‌اند، معرف مالکیت اوراق بهاداری در یک بورس دیگر است و با مالکیت رسیدهای سپرده به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی معرف مالکیت مستقیم اوراق بهادار مربوطه است.

رسیدهای سپرده این اوراق تسهیل‌کننده معاملات اوراق بهادار در سایر اقتصادها است غیر از اوراقی که در داخل پذیرفته شده است. اوراق بهادار موضوع این قسمت می‌توانند اوراق سهام یا اوراق بدهی باشند.

۷-۱۶۸ سهام با حق رأی (equity) می‌تواند به سهام پذیرفته شده و سهام پذیرفته نشده در بورس و سایر سهام با حق رأی تقسیم شود. هر دو سهام پذیرفته شده و پذیرفته نشده از نوع سهام با حق رأی (equity) هستند (این نوع سهام در بند ۷,۱۱۹ تعریف شده‌اند). سهام پذیرفته شده سهام با حق رأی هستند که در بازار بورس یا بازار مبادله پذیرفته شده‌اند و گاهی به عنوان سهام ثبت شده در بازار معتبر و رسمی بورس و سایر بازارها نام‌گذاری می‌شوند. سهام پذیرفته نشده سهام با حق رأی هستند که در بازار بورس ثبت نشده‌اند. سهام پذیرفته شده و پذیرفته نشده سهمی هستند که بیشتر از طریق انواع مختلف شرکت‌ها منتشر می‌شوند (سهام‌های پذیرفته نشده اغلب توسط شرکت‌های تابعه و کسب‌وکارهای کوچک‌تر منتشر می‌گردند) و مشمول الزامات مقررات نظارتی متفاوتی می‌شوند.

۷-۱۶۹ سایر سهام با حق رأی (equity)، سهام با حق رأی هستند که به شکل اوراق بهادار منتشر نمی‌شوند. این سهام می‌تواند شامل موارد زیر باشد: سهام با حق رأی شبه شرکت‌ها مانند شعب شرکت‌ها، صندوق‌های امانی، شرکت‌ها با مسئولیت محدود بدهی و سایر اشکال مشارکت، صندوق‌های غیر شرکتی، واحدهایی از سهام فرضی که مبین مالکیت بر مستغلات و سایر منابع طبیعی باشد. مالکیت بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی که به صورت سهام نیست و باید به عنوان سایر سهام با حق رأی طبقه‌بندی شوند (هرچند سهام در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی به صورت سهام پذیرفته نشده است). مالکیت بانک‌های مرکزی اتحادیه پولی نیز در شمول سایر سهام با حق رأی قرار می‌گیرند.^۱

۷-۱۷۰ بیشتر واحدها در کل دولت، بدهی‌هایی را به شکل سهام با حق رأی و سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری ندارند. با این حال، در دو مورد ممکن است واحدی را در کل دولت پیدا کرد که دارای بدهی به صورت سهام با حق رأی و سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری باشد. اولین مورد مربوط به برخی واحدها (معمولاً نهادهای دولتی با مقاصد ویژه) است که به صورت قانونی به عنوان شرکت‌های عمومی تأسیس شده‌اند؛ اما فقط فعالیت‌های مالی و شبه مالی انجام می‌دهند- این نهادها به عنوان بخشی از کل دولت تلقی می‌شوند (بدون توجه به جایگاه قانونی آنها)، زیرا به عنوان واحدهای نهادی جداگانه در کل دولت تلقی نمی‌شوند، مگر اینکه غیرمقیم باشند. دومین مورد، هنگامی که یک واحد تحت کنترل دولت به عنوان یک شرکت به طور قانونی تأسیس می‌شود؛ اما به عنوان یک تولیدکننده غیربازاری عمل می‌کند، چنین واحدی نیز بخشی از کل دولت می‌باشد. همان‌طور که در بند ۲,۴۱ توضیح داده شده است.

۱. به ۶ BPM بند A3.44 مراجعه نمایید.

۷-۱۷۱ اصول کلی ارزش‌گذاری بر اساس قیمت‌های بازار که در بندهای ۷,۲۰ تا ۷,۳۳ ارائه شده است برای سهام (Equity) اعمال می‌گردد. سهام با حق رأی را می‌توان به راحتی بر اساس قیمت‌های جاری بازار که به طور منظم در بورس‌های اوراق بهادار یا بازارهای مالی دیگر معامله می‌شود، ارزش‌گذاری کرد.

۷-۱۷۲ با این حال، ممکن است برای سهام پذیرفته نشده و سایر موارد تملک سهام با حق رأی، قیمت‌های بازار قابل مشاهده وجود نداشته باشد (به عنوان مثال، برای سهام با حق رأی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، شرکت‌های پذیرفته نشده و حذف شده از بورس، شرکت‌های پذیرفته شده اما فاقد نقدشوندگی سهام، سرمایه‌گذاری مشترک و شرکت‌های غیرسهامی).

۷-۱۷۳ وقتی که ارزش واقعی بازار سهام با حق رأی در دسترس نباشد، نیاز به تخمین آن است. یکی از رویکردها این است که از اطلاعات بازار بورس در مورد یک سهم پذیرفته شده مشابه استفاده گردد، همان‌طور که در بند ۷,۲۹ توضیح داده شده است. روش‌های جایگزین برآورد ارزش بازار سهام با حق رأی در گزارش SNA ۲۰۰۸، بندهای ۱۳,۷۱ تا ۱۳,۷۳ آورده شده و شامل موارد زیر است: قیمت معاملات اخیر، خالص ارزش دارایی، ارزش فعلی/نسبت قیمت به نرخ بهره، ارزش دفتری گزارش شده توسط شرکت‌ها با تعدیل در سطح کلان توسط تهیه‌کنندگان آمار، وجوه شخصی شرکت‌ها به ارزش دفتری و توزیع کل ارزش جهانی آنها بین واحدهای تابعه. ارزش سایر سهام با حق رأی برابر است با ارزش دارایی‌های واحد مربوطه منهای ارزش بدهی آن؛ بنابراین برای واحدهای غیرمقیم مانند شبه شرکت‌ها، خالص ارزش برابر با صفر است و ارزش تخمینی سایر سهام با حق رأی می‌تواند منفی باشد اگر ارزش بدهی از ارزش دارایی‌ها بیشتر باشد.^۱

۱-۵-۲- واحدها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۷-۱۷۴ صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات سرمایه‌گذاری جمعی هستند که سرمایه‌گذاران سرمایه خود را از طریق آن برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی یا غیرمالی قرار می‌دهند. این صندوق‌ها مبادرت به انتشار سهام (در صورت داشتن یک ساختار شرکتی) یا واحدها (در صورت داشتن ساختار ودیعه) می‌کنند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری شامل صندوق‌های بازار پول (MMF) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر MMF هستند.^۲ مراد از سهام صندوق سرمایه‌گذاری یا واحدها اشاره به سهام‌هایی است که توسط خود صندوق‌های مدیریت سرمایه‌گذاری منتشر می‌شوند، نه سهمی که آنها در اختیار دارند.

۷-۱۷۵ صندوق‌های بازار پول (MMF) صندوق‌های سرمایه‌گذاری هستند که فقط یا در درجه اول در اوراق بهادار بازار پول کوتاه‌مدت مانند اسناد خزانه، گواهی سپرده و اوراق تجاری سرمایه‌گذاری می‌کنند. سهام MMF و واحدهای این صندوق‌ها گاهی اوقات از نظر کارکرد نزدیک به سپرده‌های قابل انتقال هستند- برای

۱. شرکت‌های سهامی خاص مسئولیت محدودی در قبال سهامداران خود دارند، به طوری که حداقل ارزش سهام سهامداران آنها صفر است.
۲. این موارد بیشتر در BPM6، پاراگراف‌های ۴,۷۳-۴,۷۵ مورد بحث قرار گرفته است.

مثال، حساب‌هایی با امتیازات نامحدود صدور چک هستند. چنانچه سهام MMF در گزارش حساب اقتصادی کشور در شمول تعریف پول (به معنای کلی پول) قرار گرفته باشد باید به عنوان یک قلم جداگانه در ترازنامه ثبت گردد تا رفع اختلاف آماری با آمارهای پولی امکان‌پذیر شود.

۷-۱۷۶ صندوق‌های سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از دارایی‌ها مانند اوراق بدهی، سهام با حق رأی، سرمایه‌گذاری‌های کالا-پایه، مستغلات، سهام در سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری و دارایی‌های ترکیبی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

۷-۱۷۷ سهام (واحدهای) صندوق‌های بازار پول یا سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری باید به همان روش‌هایی که در مورد سهام با حق رأی (equity) به کار گرفته می‌شود، ارزیابی گردند:

- سهام پذیرفته شده باید با استفاده از قیمت بازار سهام ارزش‌گذاری شوند.
- سهام پذیرفته نشده باید بر اساس یکی از روش‌های توضیح داده شده در بند ۷،۱۷۲ برای سهام با حق رأی پذیرفته نشده و سایر سهام با حق رأی ارزش‌گذاری شوند.

۷-۶- بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]

۷-۱۷۸ بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد شامل موارد زیر می‌شوند:

- ذخایر فنی بیمه غیرعمر
 - حقوق بیمه عمر و مستمری
 - حقوق بازنشستگی [GFS]
 - مطالبه‌های صندوق بازنشستگی از مدیرمسئول صندوق بازنشستگی
 - تمهیدات لازم در مواجهه با اجرای ضمانت در طرح‌های ضمانت استاندارد
- ۷-۱۷۹ این ذخایر، حقوق حقه و مقررات ناظر بر اجرای ضمانت‌ها و معرف بدهی‌های یک واحد بخش عمومی است که به عنوان بیمه‌گر، صندوق بازنشستگی یا انتشاردهنده ضمانت‌های استاندارد خدمات ارائه می‌دهند و دارایی‌های متناظر با آن که بهره‌برداران خدمات بیمه‌ای یا ذینفعان در اختیار می‌گیرند. در بخش عمومی، معمولاً این شرکت‌های عمومی فعال در امور مالی هستند که در طرح‌های بیمه‌ای فعالیت می‌کنند. واحدها (دستگاه‌ها) دولتی ممکن است به عنوان مجری طرح‌های بیمه غیرعمر، طرح‌های بازنشستگی که از نظر مالی غیرمستقل هستند و طرح‌های تضمین استاندارد در قبال این ذخایر، حقوق حقه بیمه‌گذاران و مقررات تقبل شده، بدهی‌هایی را متحمل شوند.^۱

۱. بعید است که یک واحد دولتی عمومی بدهی مرتبط با بیمه عمر و مستمری داشته باشد، مگر اینکه چنین طرح‌هایی را برای کارکنان خود ارائه دهد.

۷-۱۸۰ ارزش دارایی‌های یک واحد بخش عمومی در قالب طرح‌های بیمه، بیمه بازنشستگی و ضمانت استاندارد- به عنوان بهره‌بردار خدمات بیمه‌ای- بر اساس میزان حق بیمه پیش‌پرداخت با پرداخت شده به علاوه برآورد مطالبات ایجاد شده که هنوز توسط واحد بخش عمومی دریافت نشده، تعیین می‌گردد. ارزش بدهی‌های یک واحد بخش عمومی در قالب هر یک از این ابزارها تحت ابزار مربوطه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۷-۱۸۱ به طور کلی، شرکت‌های بیمه و متولیان صندوق بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد، برای تعیین بدهی خود در این طرح‌ها از برآوردهای آماری استفاده می‌کنند. این برآوردهای آماری منبعی است که معمولاً برای تهیه آمارهای مربوط به این ابزارها استفاده می‌شود.

۷-۱۸۲ بندهای زیر به طور خلاصه انواع ذخایر، حقوق حقه ذینفعان و مقررات پیش‌بینی شده در طرح‌های بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح ضمانت استاندارد را تعریف می‌کنند.^۱

۱-۶-۱- ذخایر فنی بیمه غیرعمر

۷-۱۸۳ ذخایر فنی بیمه غیرعمر^۲ شامل (۱) پیش‌پرداخت خالص حق بیمه، بیمه غیرعمر و (۲) ذخایر جهت تأمین مانده مطالبات بیمه غیرعمر است؛ به عبارت دیگر، ذخایر فنی بیمه‌های غیرعمر شامل حق بیمه‌های پرداخت شده اما هنوز دریافت نشده (که حق بیمه دریافت نشده نامیده می‌شود) و مطالبات ایجاد شده اما هنوز تسویه نشده است.

۷-۱۸۴ پیش‌پرداخت‌های خالص حق بیمه غیرعمر به این دلیل بروز می‌کند که حق بیمه‌ها معمولاً در ابتدای دوره تحت پوشش بیمه‌نامه قابل پرداخت هستند. با این حال بر مبنای حسابداری تعهدی، حق بیمه در طول دوره بیمه‌نامه اخذ می‌شود، از این رو پرداخت اولیه شامل پیش‌پرداخت یا بیعانه می‌گردد. در هر زمان مشخص، بخشی از حق بیمه‌ها پرداخت شده، اما توسط شرکت بیمه دریافت نشده است؛ زیرا این حق بیمه‌های پیش‌پرداخت شده پوششی در برابر خطرات آینده ایجاد می‌کنند.

ارزش حق بیمه‌های پیش‌پرداخت نشده یا دریافت نشده باید به طور متناسب تعیین شود. به عنوان مثال، اگر یک بیمه‌نامه سالانه با حق بیمه ۱۲۰ واحد پولی از ۱ آوریل اجرا شود و حساب بیمه‌نامه برای یک سال تنظیم شود، حق بیمه حاصل برای کل سال ۹۰ واحد است. حق بیمه پیش‌پرداخت شده یا دریافت نشده مبلغ حق بیمه واقعی دریافتی مربوط به دوره گذشته (سه ماه اول) از زمان گزارش‌دهی (۹ ماه اول) است. در مثالی که

۱. این مسائل به تفصیل در SNA 2008، پاراگراف‌های ۱۷،۷۶-۱۷،۲۲۴ مورد بحث قرار گرفته است.

۲. بیمه غیرعمر کلیه خطرات غیر از بیمه عمر مانند حوادث، بیماری، آتش‌سوزی و غیره را پوشش می‌دهد. شرایط بیمه‌ای که ارائه منفعتی را در صورت فوت طی یک دوره معین نه در هیچ شرایط دیگر، متعهد شده است که معمولاً بیمه مدت‌دار نامیده می‌شود، به عنوان بیمه غیر عمر تلقی می‌شود زیرا مانند سایر بیمه‌های غیرعمر، مطالبه بیمه‌ای تنها وقتی قابل پرداخت است که یک حادثه ناگهانی رخ دهد نه در شرایط دیگر. در عمل، به دلیل نحوه نگهداری حساب‌های شرکت‌های بیمه، ممکن است همیشه نتوان بیمه مدت‌دار را از سایر بیمه‌های عمر جدا کرد. در این شرایط، ممکن است به دلایل عملی، با بیمه مدت‌دار مانند بیمه عمر رفتار شود.

ارائه شد، در پایان دسامبر میزان حق بیمه دریافت نشده ۳۰ واحد است. این حق بیمه دریافت نشده برای پوشش سه ماه اول سال آینده در نظر گرفته شده است.

۷-۱۸۵ ذخایر جهت تأمین مانده مطالبات بیمه غیرعمر، عبارت است از مبالغ بیمه ناشی از وقوع حوادث که مطالبه آن هنوز در حال بررسی است. این ذخایر همچنین شامل ذخایر برای خطرات منقضی نشده (هنوز حادث نشده) است. بدهی بیمه‌گر برای پرداخت مطالبات جاری معرف ارزش فعلی مبالغی است که انتظار می‌رود در زمان تسویه مطالبات پرداخت شود، از جمله مطالبات مورد مناقشه و همچنین مبالغ در نظر گرفته شده برای حوادثی که اتفاق افتاده است؛ اما هنوز گزارش نشده‌اند.

۷-۱۸۶ سایر ذخایر: مانند ذخایر متوازن ساز (ایجاد توازن در عملکرد و نتایج مالی شرکت بیمه‌ای) که ممکن است بیمه‌گرها برای خود تعریف کنند. با این حال، تنها زمانی که رویدادی منجر به ایجاد یک بدهی گردد، این ذخایر به عنوان بدهی‌ها (در مقابل دارایی‌های متناظر) شناخته می‌شوند. در غیر این صورت، ذخایر متوازن‌ساز، اقلامی هستند که بیمه‌گرها در حساب و کتاب داخلی خود منظور می‌کنند و معرف پس‌انداز برای پوشش حوادثی است که به‌طور نامنظم حادث می‌شوند و بنابراین مطالبه متناظری را برای بیمه‌گذاران ایجاد نمی‌کند.

۱-۶-۲- بیمه عمر و مستمری

۷-۱۸۸ بیمه عمر و مستمری مطالبات مالی هستند که بیمه‌گذاران از یک شرکت بیمه عمر یا ارائه‌دهنده مستمری بیمه دارند. این گروه مطالبات شامل بدهی‌های شرکت‌های بیمه عمر و ارائه‌دهندگان مستمری بیمه برای حق بیمه پیش‌پرداخت شده و بدهی‌های واقع شده به بیمه‌گذاران بیمه عمر و ذینفعان مستمری بیمه است. بیمه عمر و حقوق حقه مستمری از جمله تعهدات شرکت‌های بیمه است که باید به بیمه‌گذاران یا جبران خسارت به ذینفعان در صورت فوت بیمه‌شدگان ارائه شود؛ بنابراین باید آن را از سرمایه سهامداران جدا کرد. این حقوق به عنوان بدهی شرکت‌های بیمه و دارایی بیمه‌گذاران و ذینفعان محسوب می‌شود. حقوق حقه مستمری، متضمن محاسبه آماری ارزش فعلی تعهدات برای پرداخت درآمد آتی تا زمان فوت ذینفعان است.

۷-۱۸۸ مقداری که باید موقعیت‌های سهام شرکت بیمه‌گر را از نظر ارزش حقوق حقه بیمه عمر و مستمری نشان دهد و در تراز مالی شرکت ثبت شود، مشابه مقداری است که برای ذخایر فنی بیمه غیرعمر ثبت می‌شود، این مقدار معرف تعهدات واقع شده است و باید جهت پرداخت مطالبات آینده تأمین شود. با این حال در مورد بیمه عمر، میزان حقوق حقه بسیار قابل توجه است و ارزش فعلی تمام مزایای مورد انتظار آینده را نشان می‌دهد.^۱

۱. در حساب‌های تجاری شرکت‌های بیمه، برخی از این تعهدات به عنوان تأمین پاداش و تخفیف‌ها شرح داده می‌شود. این نتیجه شیوه کار صنعت بیمه در رابطه با یکنواخت‌سازی پرداخت مزایا در طول زمان و حفظ برخی از مزایا تا زمان سررسید بیمه‌نامه است.

۱-۶-۳- حقوق بازنشستگی [GFS]^۱

۷-۱۸۹ همان‌طور که در بندهای A2.5 تا A2.7 توضیح داده شده است، حقوق حقه مترتب بر مزایای بیمه تأمین اجتماعی به دو شکل قابل تفکیک و تقسیم است. یکی موارد مرتبط با حقوق بازنشستگی و دیگر مربوط به سایر اشکال مزایا (غیر بازنشستگی) است. تمایز بین این دو مهم است، زیرا سیستم GFS بدهی بابت حقوق بازنشستگی مرتبط با اشتغال را به عنوان بدهی می‌پذیرد، صرف‌نظر از اینکه این دارایی‌ها برای پرداخت حقوق حقه بازنشستگی در نظر گرفته شده باشند یا خیر، اما تنها زمانی ذخایر جهت تأمین مزایای غیربازنشستگی مرتبط با اشتغال را می‌پذیرد که این ذخایر واقعاً وجود داشته باشند (به بند ۷، ۱۹۵ مراجعه نمایید). علاوه بر این، بین طرح‌های تأمین اجتماعی و طرح‌های مرتبط با اشتغال تمایز در نظر گرفته می‌شود. این بخش به حقوق حقه‌ای که برای طرح‌های بازنشستگی مرتبط با اشتغال در نظر گرفته شده می‌پردازد.

۷-۱۹۰ حقوق حقه بازنشستگی، مطالبات مالی بازنشستگان فعلی و آتی^۲ است که از کارفرمای خود یا از صندوق تعیین شده از سوی کارفرما مطالبه دارند و کارفرما باید این حقوق کسب شده را به عنوان بخشی از یک قرارداد جبران خدمات بین کارفرما و کارکنان، به آنها پرداخت کند. ماهیت این مطالبات و بدهی‌های متناظر آن برای واحدهایی که عاملیت صندوق بازنشستگی را عهده‌دار هستند، به نوع مزایای متقبل شده بستگی دارد.

۷-۱۹۱ دو نوع اصلی از طرح‌های بازنشستگی عبارت‌اند: طرح‌ها با مزایای تعریف شده و طرح‌ها با میزان پرداخت تعریف شده به صندوق. در طرح بازنشستگی با مزایای تعریف شده، سطح مزایای بازنشستگی مقرر توسط کارفرما به کارکنان عضو و سایر اعضای خانواده بر اساس محاسبات آماری مبنی بر سابقه خدمت و حقوق اعضا تعیین می‌شود. در طرح بازنشستگی با میزان پرداخت تعریف شده، سطح پرداخت به صندوق بازنشستگی تعیین می‌شود؛ اما مزایای قابل پرداخت بازنشستگی به دارایی‌های صندوق بستگی دارد.

۷-۱۹۲ مدیریت یک صندوق بازنشستگی برای کارکنان بخش عمومی را می‌توان به یک شرکت بیمه عمومی یا خصوصی به نمایندگی از واحد بخش عمومی محول نمود یا می‌توان این صندوق را توسط یک واحد بخش عمومی به عنوان یک صندوق بازنشستگی خودمختار یا غیرخودمختار سازماندهی و مدیریت نمود. صندوق بازنشستگی غیر خودمختار یک واحد جداگانه نیست و دارایی‌های صندوق متعلق به کارفرما است. کارکنان از کارفرمای صندوق غیر خودمختار دارای یک مطالبه هستند و کارفرما نیز دارای یک بدهی معادل با ارزش فعلی مزایای متقبل شده است. برای توصیف انواع شیوه‌های حمایت اجتماعی، به پیوست ۲ مراجعه نمایید.

۱. بازنشستگان فعلی و آینده شامل کارکنان گذشته و فعلی و همچنین بازنشستگان فعلی هستند، اما کارکنان آینده را شامل نمی‌شود.
۲. طرح‌های با مزایای معین گاهی به عنوان «طرح‌های حقوق نهایی» و طرح‌های با مشارکت معین به عنوان «طرح‌های خرید پول» نام‌گذاری می‌شوند.

۷-۱۹۳ بدهی‌های طرح‌های بازنشستگی بدون بنیه مالی مشخص نیز باید در حقوق حقه بازنشستگی لحاظ شوند. طرح بازنشستگی اشتغال-پایه بدون بنیه مالی مشخص طبق ماهیت خود باید توسط کارفرما سازماندهی و مدیریت شود که ممکن است این سازمان دهنده یک واحد از کل دولت یا یک شرکت عمومی باشد.

۷-۱۹۴ در حساب‌های اولیه نظام‌های آماری اقتصاد کلان بدهی بابت مزایای مندرج در طرح‌های تأمین اجتماعی پذیرفته شده نیست. تعهد ضمنی برای مزایای آتی تأمین اجتماعی به عنوان یک قلم اطلاعات توضیحی در ترازنامه گزارش می‌شود، صرف‌نظر از سطح دارایی‌های صندوق تأمین اجتماعی یا سایر حساب‌های تفکیک شده آن (به بند ۷، ۲۶۱ مراجعه نمایید).

بدهی‌ها بابت پرداخت مزایای تأمین اجتماعی که تاریخ سررسید آنها تمام شده است؛ اما هنوز پرداخت نشده‌اند به عنوان سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی طبقه‌بندی می‌شوند (شماره طبقه‌بندی ۶۳۰۸، ۶۳۱۸ و ۶۳۲۸). اگر یک صندوق تأمین اجتماعی اداره یک طرح بازنشستگی مرتبط با اشتغال را بر عهده گرفته است، این تعهدات بازنشستگی تحت حقوق حقه بازنشستگی قرار می‌گیرد نه به عنوان تعهدات ضمنی تأمین اجتماعی. ۷-۱۹۵ علاوه بر حقوق بازنشستگی، برخی از طرح‌های مرتبط با اشتغال ممکن است بدهی‌های مرتبط دیگری نیز داشته باشند مانند مزایای سلامت که ذیل حقوق حقه مزایای غیربازنشستگی درج می‌شود.^۱ بدهی‌های مربوط به حقوق حقه بازنشستگی تنها زمانی در آمار اقتصاد کلان ثبت می‌شود که میزان آنها در حساب‌های کارفرما وجود داشته باشد- یعنی زمانی که ذخایر برای حقوق بازنشستگی واقعاً وجود داشته باشد.

۷-۱۹۶ علاوه بر بدهی‌های حقوق حقه بازنشستگی به ذینفعان، گاهی اوقات ممکن است یک صندوق بازنشستگی مطالباتی از کارفرما به عنوان مدیر صندوق داشته باشد. از سوی دیگر، مدیر صندوق بازنشستگی ممکن است مطالبه‌ای از مازاد صندوق بازنشستگی داشته باشد. این‌گونه مطالبات در شمول حقوق حقه بازنشستگی قرار نمی‌گیرد و به عنوان مطالبات صندوق‌های بازنشستگی از مدیر صندوق بازنشستگی طبقه‌بندی می‌شوند (به بندهای ۷، ۱۹۹-۷، ۲۰۰ مراجعه نمایید).

۷-۱۹۷ حقوق حقه بازنشستگی به شرح زیر ارزش‌گذاری می‌شوند:

- بدهی یک طرح بازنشستگی با مزایای تعریف شده (شامل صندوق‌های بازنشستگی غیرمستقل و طرح‌های بازنشستگی بدون بنیه مالی مشخص) معادل ارزش فعلی مزایای مقرر است.
- بدهی یک صندوق بازنشستگی با حق بیمه تعریف شده عبارت است از خالص ارزش فعلی دارایی‌های صندوق به قیمت بازار که بر مبنای عملکرد دارایی‌های به دست آمده به واسطه سهم حق بیمه بازنشستگی تعیین می‌شود.^۲

۱. غیر از بیمه بازنشستگی، طرح‌هایی که منابع مالی آن برای بیمه‌های تأمین اجتماعی تأمین شده باشد رایج نیستند.

۲. مبنای محاسبه حقوق حقه بازنشستگی به تفصیل در فصل ۱۷ SNA سال ۲۰۰۸ توضیح داده شده است.

۷-۱۹۸ به این دلیل که سنجش حقوق حقه از صندوق بازنشستگی با مزایای تعریف شده به فروش و روش‌های مختلفی بستگی دارد، ماهیت پوشش و برآورد این حقوق حقه باید در فراداده‌هایی که به همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های دیگر ارائه می‌شود، تشریح گردد.

۱-۶-۴- مطالبات صندوق‌های بازنشستگی از مدیر صندوق بازنشستگی

۷-۱۹۹ یک کارفرما ممکن است با شخص ثالثی قراردادی برای اداره صندوق بازنشستگی کارکنان خود منعقد کند. اگر کارفرما همچنان به تعیین شرایط طرح صندوق بازنشستگی ادامه دهد و مسئولیت تأمین هرگونه کسری و همچنین هرگونه وجوه مازاد را برای خود محفوظ فرض کند، کارفرما به عنوان مدیر صندوق بازنشستگی تعریف می‌شود و واحدی که تحت نظارت مدیر صندوق بازنشستگی است به عنوان مدیر اجرایی صندوق بازنشستگی تعریف می‌گردد. اگر توافق بین کارفرما و مدیر اجرایی به گونه‌ای باشد که کارفرما برخورداری از هرگونه وجوه مازاد را برای مدیر اجرایی محفوظ می‌داند و در مقابل، خطرات و مسئولیت‌های مربوط به هرگونه کسری در تأمین را متوجه مدیر اجرایی کند، در این حالت مدیر اجرایی به عنوان مدیر صندوق بازنشستگی شناخته می‌شود.

۷-۲۰۰ زمانی که مدیر صندوق بازنشستگی واحدی متفاوت از مدیر اجرایی آن است و مسئولیت هر کسری یا مطالبه هرگونه مازاد متوجه مدیر صندوق بازنشستگی است، موارد زیر در ترازنامه مدیر صندوق بازنشستگی ثبت می‌شود:

- بدهی ناشی از مطالبات صندوق بازنشستگی از مدیر بازنشستگی در صورت بروز کسری
- دارایی مالی به شکل مطالبه از صندوق بازنشستگی در صورتی که درآمد صندوق بازنشستگی از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های در اختیار، بیشتر از میزان لازم برای پوشش افزایش حقوق حقه بازنشستگی باشد.
- یک قلم متناظر باید به صورت خالص در حق بیمه اجتماعی منتسب به کارفرما ثبت شود (به عبارت دیگر، یک قلم هزینه برای افزایش بدهی و یک قلم کاهش در هزینه وقتی بدهی کاهش می‌یابد یا هنگامی که دولت دارایی به دست می‌آورد).

۱-۶-۵- تمهیدات مالی در مواجهه با فراخوان شدن ضمانت‌ها در طرح‌های ضمانت استاندارد

۷-۲۰۱ ضمانت‌های استاندارد آن دسته از ضمانت‌هایی هستند که برای موارد مشابه به تعداد زیاد معمولاً برای مبالغ نسبتاً کم منتشر می‌شوند.^۱ مجریان طرح‌های ضمانت استاندارد متحمل بدهی‌هایی می‌شوند که برابر با ارزش فعلی مانده ضمانت‌هایی است که انتظار فراخوان شدن آنها می‌رود، یعنی خالص هرگونه جبران زبانی

۱. در مقابل، هر ضمانت موردی یک ضمانت جداگانه تلقی می‌شود و ضامن‌ها معمولاً نمی‌توانند به طور قابل اعتماد خطر این نوع ضمانت‌ها را تخمین بزنند. در نتیجه در بیشتر موارد، این نوع ضمانت‌های موردی یک بدهی مشروط را در بر دارند (مگر اینکه و تا زمانی که چنین ضمانتی فراخوان نشود). برای بحث در مورد بدهی‌های مشروط، به بندهای ۷،۲۵۱-۷،۲۶۰ مراجعه کنید.

که ضامن انتظار دارد از وام‌گیرندگان نکول کننده دریافت کند، رویکردی مشابه با بیمه غیرعمر. این بدهی به عنوان تمهیدات مالی نامیده می‌شود که در صورت فراخوان ضمانت‌های استاندارد رخ می‌دهد.

۷-۲۰۲ در این ترتیبات مالی سه طرف درگیر هستند: قرض‌گیرنده (بدهکار)، قرض‌دهنده (بستانکار) و ضامن. قرض‌گیرنده یا قرض‌دهنده ممکن است با ضامن قراردادی مبنی بر برگرداندن مبلغ قرض گرفته شده در صورت نکول قرض‌کننده منعقد نماید. نمونه‌های از این نوع ضمانت‌ها عبارت‌اند از: ضمانت‌های اعتبار صادراتی، ضمانت سپرده و ضمانت وام دانشجویی. ضمانت‌های استاندارد بر اساس همان اصول و الگوی بیمه غیرعمر استوار است و رویکرد مشابهی در خصوص این ضمانت‌ها اتخاذ می‌شود، همان‌طور که در بندهای A4.66 تا A4.80 مورد بحث قرار گرفته است.

۱-۷-۷- مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان

۷-۲۰۳ مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان، دارایی‌ها و بدهی‌های مالی هستند که ویژگی‌های مشابهی دارند، مانند قیمت از قبل تعیین شده سهم و برخی از عوامل ریسک مشابه. با این حال، هرچند هم انتقال خطر و هم قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان نیز به عنوان یک شکل از پاداش طراحی شده‌اند.

۱-۷-۱- مشتقات مالی

۷-۲۰۴ قرارداد مشتقات مالی یک ابزار مالی است که به ابزار مالی خاص، نمابر یا کالای دیگر مرتبط است و از طریق آن‌ها خطرات مالی خاصی (مانند خطر نرخ بهره، معاملات ارزی، قیمت سهام با حق رأی و کالا و خطر اعتبار) می‌تواند به عنوان یک ابزار مستقل در بازارهای مالی معامله شود. با معاملات و موقعیت‌های مشتقات مالی، مستقل از ارزش دارایی ذی‌ربط آنها رفتار می‌شود. مشتقات مالی بر اساس قیمت‌های موجود بازار در زمان ثبت در ترازنامه، ارزش‌گذاری می‌شوند. اگر داده‌های قیمت بازار در دسترس نباشند، روش‌های دیگر تعیین ارزش منصفانه (مانند مدل‌های ریاضی یا ارزش فعلی) ممکن است برای ارزش‌گذاری آنها استفاده شود. محاسبه‌ها معمولاً با محدودیت استفاده از حساب‌های طرفین قرارداد، این نوع برآوردها را انجام می‌دهند.

۷-۲۰۵ خطر موجود در قرارداد مشتقه مالی می‌تواند به دو صورت معامله شود یا با فروش خود قرارداد، همان‌طور که معامله در مورد قراردادهای اختیار معامله سهام امکان‌پذیر است، یا با بستن یک قرارداد جدید که در آن ویژگی‌های خطر همراه قرارداد درست عکس خطرات موجود در قراردادهای انجام شده است. این روش اخیر که جبران‌پذیری نامیده می‌شود، در بازارهای آتی (سلف) رخ می‌دهد. جبران‌پذیری به این معنی است که اغلب می‌توان خطر مرتبط با مشتقه را با ایجاد یک قرارداد جدید که شرایط خطر در آن عکس شرایط خطر در مشتقه اول است، حذف کرد. کاهش خطر در خرید مشتقه جدید برابر با افزایش خطر فروش مشتقه اول

می‌باشد، زیرا نتیجه این معامله حذف خطر مالی در مشتقه مالی مورد نظر است؛ بنابراین، توانایی در خنثی‌سازی خطر مربوطه در بازار را می‌توان معادل ارزش قابلیت معامله در نظر گرفت. هزینه جایگزینی قرارداد مشتقه موجود در واقع ارزش توان جایگزینی را نشان می‌دهد، لازم نیست جبران‌سازی واقعی خطر اتفاق بیفتد.

۷-۲۰۶ در بسیاری از موارد، قراردادهای مشتقات با پرداخت مبالغ خالص به صورت نقدی و نه تحویل اقلام مشتقه ذی‌ربط تسویه می‌شوند. هنگامی که یک مشتقه مالی به تاریخ تسویه خود می‌رسد، هر مبلغ سررسید شده اما پرداخت نشده تحت سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی مجدداً طبقه‌بندی می‌شود. از آنجاکه ارزش مشتقات ثابت است؛ بنابراین ماهیت مطالبه تغییر می‌کند و به بدهی تبدیل می‌شود.

۷-۲۰۷ انواع ترتیبات تأمین مالی زیر، مشتقات مالی تلقی نمی‌شوند:

- قرارداد با قیمت ثابت برای کالاها و خدمات، یک مشتقه مالی نیست مگر اینکه قرارداد استاندارد باشد که در این صورت خطر معامله آن در بازار می‌تواند جدا از کالا و خدمات مندرج در قرارداد، در بازارهای مالی معامله شود. برای مثال، اختیار معامله خرید هواپیما از سازنده به عنوان مشتقه مالی طبقه‌بندی نمی‌شود. اگر اختیار خرید قابل انتقال باشد و در واقع منتقل گردد، معامله آن تحت قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و حق امتیازها ثبت می‌شود. در بند A4.52 بحث شده است.

- بیمه و ضمانت‌های استاندارد مشتقات مالی نیستند. بیمه شامل جمع‌آوری وجوه از بیمه‌گذاران برای جبران خسارت‌های آتی ناشی از وقوع رویدادهای مشخص شده در بیمه‌نامه‌ها است. به این معنا که بیمه و ضمانت‌های استاندارد برای مدیریت خطر در صورت وقوع است که در درجه اول از طریق توزیع خطر نه تجارت آن بین بیمه‌گذاران صورت می‌گیرد (به بند ۷،۲۰۱ مراجعه کنید). با این حال، برخی از ضمانت‌ها به غیر از ضمانت‌های استاندارد تعریف مشتقات مالی را رعایت می‌کنند. این ضمانت‌ها که بر اساس هر یک از ضمانت‌نامه‌ها، قرض‌دهنده را در برابر انواع خاصی از مخاطرات ناشی از یک تبادل اعتباری، از طریق پرداخت هزینه‌ای به ضامن برای یک دوره مشخص محافظت می‌کنند- به عنوان مشتقات اعتباری شناخته می‌شوند (به بند ۷،۲۱۸ مراجعه کنید).

- دارایی‌ها و بدهی‌های مشروط، مانند ضمانت‌های یک‌باره و اعتبار اسنادی، دارایی‌های مالی نیستند (همان‌طور که در بند ۷،۲۵۱ بحث شد).

- ابزارهای مالی که دارای مشتقات الحاقی هستند به عنوان مشتقات مالی بررسی نمی‌شوند (به بند ۷،۱۴۸ مراجعه کنید).

- اگر دارنده ابزار اولیه به نوبه خود یک قرارداد مشتقه مالی جدید اما به صورت معکوس ایجاد کند تا خطر مشتقات الحاقی را جبران کند، ایجاد این قرارداد مشتقه مالی جدید به عنوان یک معامله جداگانه ثبت می‌شود که بر ثبت معاملات و موقعیت آن در ابزار اولیه تأثیر نمی‌گذارد. با این حال در ابزار اولیه،

ضمانت‌های تفکیک‌پذیر به عنوان مشتقات مالی جداگانه در نظر گرفته می‌شوند، زیرا می‌توان آن‌ها را جدا کرد و در بازارهای مالی فروخت.

- وقفه‌های زمانی که در روند عادی کسب‌وکار به وجود می‌آیند و ممکن است خطراتی را در روند قیمت ایجاد کند، منجر به ایجاد مشتقات مالی نمی‌شوند. وقفه‌های زمانی شامل دوره‌های تسویه عادی برای معاملات آتی در بازارهای مالی است.

۷-۲۰۸ دو نوع کلی از مشتقات مالی وجود دارد: قراردادهای اختیار معامله و قراردادهای آتی (سلف).

قرارداد اختیار معامله سهام کارکنان

۷-۲۰۹ در یک قرارداد اختیار معامله، خریدار از فروشنده حق خرید یا فروش کسب می‌کند (بسته به اینکه اختیار معامله از نوع اختیار خرید (call) یا فروش (put) یک مورد مشخص از قلم معامله ذی‌ربط با یک قیمت تعیین شده برای یک تاریخ مشخص یا قبل آن تاریخ باشد). خریدار یک اختیار معامله، حق بیمه‌ای را به صاحب اختیار معامله پرداخت می‌کند. در مقابل، خریدار حق (نه تعهد) خرید یا فروش اختیار معامله هر قلم خاص از قرارداد معامله (واقعی یا مالی) را به قیمت توافق شده قرارداد (قیمت از قبل تعیین شده) در یک تاریخ مشخص یا قبل آن به دست می‌آورد (در بورس مشتقات، خود بورس ممکن است به عنوان یک طرف معامله در هر قرارداد نقش ایفا کند).

۷-۲۱۰ قراردادهای اختیار معامله را می‌توان با قراردادهای آتی مقایسه کرد:

- در ابتدا، معمولاً هیچ پیش‌پرداختی برای یک قرارداد آتی وجود ندارد و قرارداد مشتقه با ارزش صفر شروع می‌شود، در حالی که در قراردادهای اختیار معامله معمولاً حق بیمه‌ای برای یک اختیار معامله پرداخت می‌شود که ارزش غیرصفر قرارداد را منعکس می‌کند.

- در طول مدت قرارداد، برای یک قرارداد آتی هر یک از طرفین می‌تواند بستانکار یا بدهکار باشد و این ممکن است تغییر کند، در حالی که در مورد یک اختیار معامله، خریدار همیشه بستانکار است و فروشنده همیشه بدهکار.

- در سررسید، بازخرید برای قراردادهای آتی غیرمشروط است، در حالی که برای یک قرارداد اختیار معامله، بازخرید آن توسط خریدار قرارداد اختیار معامله تعیین می‌شود.

۷-۲۱۱ ضمانت‌نامه‌ها یک نوع قرارداد اختیار معامله مشتقات مالی هستند که برای دارنده آن حقی (نه تعهد) را ایجاد می‌کنند که از صادرکننده ضمانت‌نامه، مقدار ثابتی از دارایی ذی‌ربط مانند سهام با حق رأی و اوراق قرضه را با قیمت توافق شده در قرارداد برای یک دوره زمانی مشخص یا در یک تاریخ مشخص خریداری کنند. اگرچه به نظر می‌رسد مشابه با سایر قراردادهای اختیار معامله است که مورد تجارت قرار می‌گیرد؛ اما عامل تمایز آن این است که استفاده از ضمانت‌نامه‌ها می‌تواند اوراق بهادار جدیدی ایجاد کند و در نتیجه سرمایه دارندگان موجود سهام یا اوراق قرضه کم‌رنگ‌تر می‌شود، در حالی که قراردادهای اختیار معامله شده نوعاً حقوقی را بر دارایی‌هایی که از قبل در دسترس هستند، اعطا می‌کنند.

قراردادهایی از نوع سلف

۷-۲۱۲ قراردادهای از نوع سلف قراردادی غیرمشروط است که دو طرف با یکدیگر توافق می‌کنند که مقدار مشخصی از یک قلم معامله مربوطه (حقیقی یا مالی) را با قیمت تعیین شده در قرارداد (قیمت تعیین شده) در تاریخ معین معامله کنند. قراردادهای سلف شامل قراردادهای آتی و سواپ می‌شوند (به استثنای آنچه در بند ۷، ۲۱۵ مورد بحث قرار گرفته است). در اینجا از واژه قرارداد سلف استفاده می‌شود، زیرا عبارت سلف در بازارهای مالی غالباً با دامنه معنایی محدودتر استفاده می‌شود.

۷-۲۱۳ قراردادهای آتی از نوع قراردادهای سلف هستند که در بورس‌های سازمان یافته معامله می‌شوند. این بازار بورس با تعیین شرایط و ضوابط استاندارد قرارداد به عنوان یک طرف معامله در تمام مبادلات نقش ایفا می‌نماید و پرداخت یک ودیعه مختصر از مبلغ معامله را برای کاهش خطر معامله تکلیف می‌کند، قراردادهای تعیین نرخ سلف و قراردادهای فارکس انواع رایج قراردادهای سلف هستند.

۷-۲۱۴ در شروع یک قرارداد سلف، ارزش میزان خطر قرارداد در بازار برای طرفین برابر است، از این رو نوعاً در آن زمان ارزش قرارداد (از نظر سود یا زیان) صفر است. با تغییرات قیمت قلم معامله مورد نظر، ارزش بازار ابزار مالی آن تغییر خواهد کرد، اگرچه ممکن است با تسویه دوره‌ای در طول عمر قرارداد سلف به ارزش صفر بازگردد. طبقه‌بندی یک قرارداد سلف به بدهی یا دارایی ممکن است بسته به وضعیت دارایی و بدهی تغییر کند.

مسائل دیگر مرتبط با مشتقات مالی

قراردادهای سواپ

۷-۲۱۵ قرارداد سواپ شامل جریان‌های نقدی طرفین معامله است که مبتنی بر قیمت‌های مرجع اقلام مورد نظر و منطبق با شرایط از قبل تعیین شده صورت می‌گیرد. قراردادهای سواپی که به صورت قراردادهای آتی غیررسمی طبقه می‌شوند شامل سواپ پولی، سواپ نرخ بهره و سواپ نرخ بهره بین همه پول‌ها می‌شود. در یک قرارداد سواپ، تعهدات هر یک از طرفین سواپ ممکن است در زمان‌های مختلف بروز کند- به عنوان مثال، در یک سواپ نرخ بهره که در آن پرداخت‌ها برای یک‌طرف سه‌ماهه و برای طرف دیگر سالانه است. در چنین مواردی، مبالغ بهره سه‌ماهه قابل پرداخت توسط یک طرف، قبل از پرداخت مبالغ سالانه قابل پرداخت توسط طرف دیگر به عنوان مبادلات در قرارداد مشتقه مالی ثبت می‌شوند. انواع دیگری از ترتیبات که به نام سواپ شناخته می‌شوند؛ اما با تعریف فوق‌الذکر همخوانی ندارند، شامل سواپ‌های طلا (برای بحث درباره روش برخورد با آنها به بند ۷، ۱۶۱ مراجعه شود)، ترتیبات سواپ بانک مرکزی و سواپ نکول اعتبار می‌شوند (برای بحث درباره آنها به بند ۷، ۲۱۸ مراجعه کنید).

۷-۲۱۶ برای قراردادهای سواپ مربوط به مشتقه مالی ارزی لازم است بین مبادله در قالب قرارداد مشتق مالی و مبادلات در ارزش‌های ذی‌ربط آن تمایز قائل شویم. در آغاز طرفین ابزارهای مالی ذی‌ربط را معامله می‌کنند

(که معمولاً به عنوان ارز و سپرده‌ها یا وام‌ها طبقه‌بندی می‌شوند). در زمان تسویه، تفاوت در ارزش ارزهای سوپا شده که به عنوان واحد حساب و بر حسب نرخ ارز رایج اندازه‌گیری می‌شود، به عنوان یک مبادله منظور شده در مشتقه مالی و ارزش‌های سوپا شده برای هر قلم مربوطه (معمولاً ارز و سپرده‌ها یا وام‌ها) ثبت می‌شوند. ۲۱۷-۷ همان‌طور که در بند ۷,۱۶۲ ذکر شد، ماهیت اقتصادی یک سوپا خارج از قواعد بازار معادل ترکیبی از استقراض‌ها (جمع استقراض‌ها) است که به صورت یک وام و یک سوپا منطبق با قواعد بازار (مشتقه مالی) است.

مشتقات اعتباری

۲۱۸-۷ مشتقات اعتباری مشتقات مالی هستند که مقصود اولیه آن‌ها مبادله خطر اعتبار تجاری است. این مشتقات برای انجام مبادله خطر نکول وام و عدم پرداخت اوراق بهادار طراحی شده‌اند. در مقابل، مشتقات مالی که در بندهای ۷,۲۱۵-۷,۲۱۷ توصیف گردیده‌اند، عمدتاً با خطر بازار مرتبط هستند که به تغییرات قیمت‌های بازار اوراق بهادار، کالاها، بهره و نرخ ارز مربوط می‌شود.

مشتقات اعتباری دارای دو صورت است، قراردادهای آتی غیررسمی (سوپا بازده کل) و قراردادهای نوع اختیار (سوپا نکول اعتبار). تحت سوپا نکول اعتباری، مبلغ اضافی توسط بدهکار ابزار مالی مربوطه به دلیل امکان نکول در پرداخت نقدی صورت می‌گیرد. مشتقات اعتباری نیز مانند سایر مشتقات مالی، غالباً تحت ترتیبات استاندارد اصلی قانونی تنظیم و طراحی می‌شوند و شامل رویه‌های وثیقه‌گذاری و پرداخت‌های جانبی می‌شوند که به واسطه آنها ابزار ارزش‌گذاری بر مبنای بازار فراهم می‌آید.

پرداخت‌های جانبی

۲۱۹-۷ مشتقات مالی اغلب مشمول پرداخت‌های جانبی می‌شوند. پرداخت‌های جانبی عبارت است از پرداخت‌های نقدی یا وثیقه‌گذاری سپرده که تعهدات واقعی بالقوه ایجاد شده را پوشش می‌دهند. تأمین پرداخت‌های جانبی مورد نیاز در واقع بازتاب‌دهنده نگرانی‌ها بابت خطر اعتباری ذی‌ربط به‌ویژه برای قراردادهای اختیار آتی و مبادلات ارزی است. طبقه‌بندی پرداخت‌های جانبی بستگی به این دارد که آنها را جزء اقلام قابل بازپرداخت یا غیر قابل پرداخت تلقی کنیم یا نه:

- پرداخت‌های جانبی قابل بازپرداخت شامل وجوه نقد یا سایر وثیقه‌گذاری‌های سپرده‌ای است که برای محافظت از طرف‌های قرارداد در مقابل خطر نکول پرداخت می‌شود. مالکیت پرداخت‌های جانبی در اختیار واحدی است که آن را به ودیعه گذاشته است. پرداخت‌های جانبی قابل بازپرداخت به صورت نقدی به عنوان مبادلات و ترکیب سهام در سپرده‌گذاری طبقه‌بندی می‌شوند (به‌ویژه اگر بدهی‌های بدهکار در تعریف پول به مفهوم کلی آن گنجانده شده باشند) یا در حساب‌های دیگر دریافتنی/پرداختنی طبقه‌بندی می‌شوند. وقتی سپرده‌های جانبی قابل پرداخت به صورت دیگری غیر از نقدی (مانند اوراق بهادار) به ودیعه گذاشته می‌شود، هیچ مبادله یا تغییر در وضعیت تملک سهام ثبت نمی‌شود زیرا هیچ تغییری در مالکیت اقتصادی آن ایجاد نشده است.

- پرداخت‌های جانبی غیر قابل بازپرداخت وضعیت بدهی مالی در یک مشتقه را کاهش می‌دهند. در بورس‌های سازمان‌یافته، پرداخت‌های جانبی غیر قابل بازپرداخت (که گاهی به عنوان پرداخت‌های متغیر نیز شناخته می‌شود) روزانه انجام می‌شود تا بدهی‌های ثبت شده در نتیجه تعدیلات روزانه مشتقات بر اساس ارزش بازار را جبران کند. نهادی که پرداخت‌های جانبی غیر قابل بازپرداخت را صورت می‌دهد دیگر نه مالکیت پرداخت‌های جانبی را خواهد داشت و نه از خطر و مزایای مالکیت آن برخوردار می‌گردد. پرداخت‌های جانبی غیر قابل بازپرداخت به عنوان مبادلات در مشتقات مالی طبقه‌بندی می‌شوند.

۷-۲۲۰ این اصولی که برای طبقه‌بندی پرداخت‌های جانبی برشمرده شد نیز به طور کلی تر به انجام پرداخت‌های جانبی مرتبط با وضعیت مشتقات مالی در سایر دارایی‌های مالی تسری پیدا می‌کند.

۱-۷-۲- قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان

۷-۲۲۱ قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان قراردادهایی برای خرید سهام یک شرکت هستند که به عنوان نوعی پاداش به کارکنان شرکت تعلق می‌گیرد. قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان از جمله توافقات مربوط به تاریخ‌های اعطا و انتقال و هدف (به عنوان مثال، ایجاد انگیزه در کارکنان برای کمک به افزایش ارزش شرکت به جای خطر تجاری)، شیوه قیمت‌گذاری مشابهی با مشتقات مالی، اما ماهیتی متفاوت دارند. چنانچه قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان اعطا می‌شود بدون محدودیت در بازارهای مالی قابل معامله باشد، به عنوان یک مشتقه مالی طبقه‌بندی می‌گردد.

۷-۲۲۲ در برخی موارد، قراردادهای اختیار معامله سهام ممکن است به تأمین‌کنندگان کالاها و خدمات شرکت ارائه شود. اگرچه این افراد کارکنان شرکت نیستند. به منظور تسهیل آن‌ها نیز در قسمت قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان ثبت می‌شود، زیرا ماهیت و انگیزه آن‌ها مشابه است (در حالی که مقدار معادل برای قرار دادهای اختیار معامله سهام کارکنان اعطا می‌شود، به عنوان حقوق و دستمزد به صورت کالا (۲۱۱۲) در بند ۶،۱۷ مورد بحث قرار گرفته است، مقدار معادل برای قراردادهای اختیار معامله سهامی که به تأمین‌کنندگان اعطا می‌شود، معادل استفاده از کالاها و خدمات (۲۲) است).

۷-۲۲۳ قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان باید در تاریخ اعطا^۱ به ارزش منصفانه ارزیابی شوند که این کار با استفاده از ارزش بازار قراردادهای معادل اختیار معامله شده (اگر در دسترس باشد) یا با استفاده از مدل ریاضی قیمت‌گذاری (دو جمله‌ای یا بلک-شولز) با در نظر گرفتن مجوز مناسب برای ویژگی‌های خاص قراردادهای اختیار معامله صورت می‌گیرد.^۲ پس از تاریخ واگذاری، قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان به قیمت‌های بازار ارزیابی می‌شوند.

۱. اصطلاحات تاریخ اعطا، تاریخ تخصیص و تاریخ اجرا در بند ۹،۷۷ تعریف شده است.

۲. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی جزئیات را ارائه می‌دهد توصیه‌هایی در مورد چگونگی ارزش‌گذاری قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان و توصیه‌های آن احتمالاً توسط شرکت‌هایی که از قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان به عنوان نوعی جبران خسارت برای کارکنان خود استفاده می‌کنند، دنبال می‌شود. با تغییر ارزش سهام تحت پوشش، ارزش اختیارات سهام کارکنان بین تاریخ اعطا و تاریخ واگذاری و سپس بین تاریخ تخصیص و تاریخ اجرا متفاوت است.

۱-۷-۳- سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی

۷-۲۲۴ سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی شامل انواع اعتبار تجاری، پیش‌پرداخت‌ها و ارقام متفرقه دیگر می‌باشد که پرداخت یا دریافت آنها فرارسیده است. اگر یک رخداد اقتصادی الزام کند که یک جریان نقدی متعاقب آن صورت گیرد به عنوان مثال، کالا و خدماتی که به صورت نسیه توسط عرضه‌کننده فروخته می‌شود؛ فاصله زمانی بین رویداد اقتصادی و زمان جریان نقدی با درج یک قلم حساب در سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی به هم ارتباط داده می‌شود.

۷-۲۲۵ اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت‌ها (۶۲۰۸۱، ۶۲۱۸۱، ۶۲۲۸۱، ۶۳۰۸۱، ۶۳۱۸۱، ۶۳۲۸۱) شامل (i) اعتبار تجاری که به طور مستقیم به خریداران کالاها و خدمات عرضه می‌شود و (ii) پیش‌پرداخت‌ها برای امور در حال انجام یا تقبل شده صورت می‌گیرد، مانند پیش‌پرداخت‌هایی که قبل از تکمیل کار یا پیش‌پرداخت‌هایی که برای کالاها و خدمات انجام می‌شود.

چنین اعتباری هم از وقفه‌های عادی در دریافت میزان مبلغ پرداختی و هم از تمدیدهای عمدی اعتبار فروشنده برای تأمین فروش ناشی می‌شود. اعتبار تجاری اعطایی توسط فروشنده کالاها و خدمات شامل وام‌ها، اوراق بدهی یا سایر بدهی‌هایی که توسط شخص ثالث برای تأمین مالی تجارت ارائه می‌گردد، نمی‌شود. چنانچه یک واحد دولتی سفته یا نوع دیگری از وثیقه را برای تجمیع سررسید پرداخت‌های چندین اعتبار تجاری منتشر کند، آن سفته یا اوراق بهادار باید به عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی گردد. اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت‌ها، اعتبارات تجاری که با تعریف وام مطابقت دارند را شامل نمی‌شود.^۱

۷-۲۲۶ سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی متفرقه (۶۲۰۸۲، ۶۲۱۸۲، ۶۲۲۸۲، ۶۳۰۸۲، ۶۳۱۸۲، ۶۳۲۸۲) شامل موارد زیر است: مالیات تعلق گرفته اما پرداخت نشده، سود سهام، پرداخت برای خرید و فروش اوراق بهاداری که قبل از انتشار ابزار مالی پرداخت یا دریافت شده، اجاره، حقوق و دستمزد، حق بیمه تأمین اجتماعی، مزایای اجتماعی و سایر ارقام مشابه.

سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی متفرقه همچنین شامل قراردادهای مشتقه مالی است که پرداخت‌های آنها سررسید شده و پرداخت‌ها هنوز صورت نگرفته است، مانند پیش‌پرداخت مالیات. برخی از این پیش‌پرداخت‌ها که اغلب «سپرده» نامیده می‌شوند به جای گروه ارز و سپرده‌ها، باید در اینجا ثبت گردند. این

۱. عرضه‌کننده کالا یا خدمات ممکن است از یک واحد دولتی مطالبه‌ای در قالب اعتبار تجاری داشته باشد. هنگامی که عرضه‌کننده کالا و خدمات این مطالبه خود را به طور کامل و غیرقابل برگشت به یک نهاد مالی (به ویژه واحدی که در زمینه خرید حواله‌ها (فاکتورینگ) فعالیت می‌کند) منتقل می‌کند، بدهی اولیه واحد دولتی که به عنوان اعتبار تجاری در سایر حساب‌های پرداختنی ثبت می‌شود باید مجدداً (از طریق انجام سایر تغییرات در حجم دارایی‌ها) تحت عنوان وام طبقه‌بندی شوند وقتی که دو شرط زیر وجود داشته باشد: (۱) واحد دولتی دیگر هیچ تعهدی برای پرداخت به عرضه‌کننده خود ندارد و (۲) در صورتی که واحد دولتی به تعهدات پرداختی خود در موعد مقرر عمل نکند، نهاد مالی هیچ رجوع مستقیم یا غیرمستقیمی به عرضه‌کننده (انتقال‌دهنده مطالبه) ندارد. همچنین، اگر اعتبار تجاری به گونه‌ای تجدید ساختار شود که با تعریف وام مطابقت داشته باشد، باید تحت وام طبقه‌بندی مجدد شود.

«سپرده‌ها» تنها در صورت رعایت شرایط خاص قابل بازپرداخت هستند. نمونه‌هایی از این نوع «سپرده» که در سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختی دیگر گنجانده می‌شود شامل سپرده‌های نزد دادگاه یا مقامات مالیاتی در انتظار حل اختلاف، سپرده‌هایی که پیش پرداخت شده برای پوشش خسارت وارده یا عدم پرداخت برای استفاده از کالاها و خدمات از قبل پرداخت می‌شود و سپرده‌های وثیقه است. در اصل، بهره تعلق گرفته ولی پرداخت نشده باید به اصل دارایی ذی‌ربط اضافه شود نه اینکه در این گروه منظور گردد. مالیات‌های دریافتنی و/یا جبران خدمات قابل پرداخت کارکنان باید به طور جداگانه مشخص شود اگر مبالغ آن قابل توجه باشد.

۷-۲۲۷ سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی باید به ارزش اسمی ثبت شوند. طبق تعریف، سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی مفاهیم تعهدی هستند و در یک سیستم حسابداری که از پایه کاملاً نقدینگی برای ثبت استفاده می‌کند، وجود ندارند.

۲- خالص ارزش (کل دارایی منهای کل بدهی)

۲۲۸-۷ همان‌طور که در بند ۷,۱ تعریف شده است، خالص ارزش (۶) یک واحد سازمانی (گروهی از واحدها) عبارت است از کل ارزش دارایی‌ها منهای کل ارزش بدهی‌ها. خالص ارزش یک قلم ترازکننده است که در زمان تنظیم ترازنامه از ارزش گذاری دارایی‌ها و بدهی‌ها (شامل سهام با حق رأی و سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری) به قیمت‌های بازار به دست می‌آید. خالص ارزش می‌تواند مثبت، منفی یا صفر باشد؛ مانند سایر اقلام ترازکننده در سیستم حسابداری مالیات بر درآمد، ارزش خالص را نمی‌توان مستقل از سایر اقلام ثبت در ترازنامه اندازه‌گیری کرد.

۲۲۹-۷ برای بیشتر واحدهای دولتی، خالص ارزش همان ارزش اقتصادی یک واحد است، زیرا آنها معمولاً سهام منتشره و سایر سهام با حق رأی را ندارند. در مورد شبه شرکت‌ها، خالص ارزش صفر است، زیرا فرض می‌شود ارزش سهام مالکان برابر با دارایی‌ها منهای بدهی‌های آنها است. حتی زمانی که واحدهای کل دولت دارای بدهی‌هایی به صورت سهام با حق رأی باشند (مراجعه به بند ۷,۱۷۰)، مشابه با شبه شرکت‌ها ارزش خالص آنها نیز صفر است اگر این سهام‌ها معامله نشوند یا ارزش آنها به طور مستقل قابل تعیین نباشد. برای سایر شرکت‌ها، خالص ارزش جزئی از منابع خود شرکت است. در آمارهای اقتصاد کلان، منابع خود شرکت و خالص ارزش دارای معنای خاصی هستند که ممکن است با درک این اصطلاحات در زمینه حسابداری متفاوت باشد. ۲۳۰-۷ زمانی که یک صندوق بازنشستگی مستقل به عنوان یک طرح با حق بیمه بازنشستگی معین فعالیت می‌کند، خالص ارزش آن صفر خواهد بود، زیرا طبق تعریف، مطالبات از صندوق بازنشستگی برابر با دارایی‌های صندوق است. با این حال، یک طرح بازنشستگی با مزایای معین که توسط یک شرکت بیمه یا به عنوان یک صندوق بازنشستگی مستقل راه‌اندازی می‌شود، می‌تواند دارای خالص ارزش مثبت یا منفی باشد اگر دارایی‌های صندوق بیشتر یا کمتر از بدهی صندوق بابت تأمین مزایای بازنشستگی باشد، مگر اینکه صندوق بازنشستگی مطالبه‌ای از مدیر بازنشستگی داشته باشد- در این صورت خالص ارزش نیز صفر است (به بندهای ۷,۱۹۹-۷,۲۰۰ مراجعه نمایید).

۲۳۱-۷ منابع خود شرکت به صورت تفاوت بین کل دارایی‌ها (به ارزش بازار) و کل بدهی‌ها به استثنای سهام و سایر سهام با حق رأی (به ارزش بازار) تعریف می‌شود. با توجه به نکات مورد اشاره نتیجه این می‌شود که ارزش منابع خود شرکت برابر است با ارزش سهام و سایر سهام با حق رأی (به قیمت فعلی بازار در تاریخ ترازنامه) به علاوه خالص ارزش مطابق با آنچه در شکل ۱ نشان داده شده است.

دارایی‌ها (به ارزش بازار)	سهام و سایر سهام با حق رأی (به ارزش بازار) + ارزش خالص = وجوه شخصی
	کل بدهی - سهام و سایر سهام با حق رأی (به ارزش بازار)

شکل ۱: خالص ارزش در ترازنامه آمارهای اقتصاد کلان

۲۳۲-۷ در مورد شبه شرکت‌ها، سهام با حق رأی سهامداران برابر با منابع خود شرکت‌ها است. در شرکت‌های عمومی به نظر می‌رسد که آنها علاوه بر ارزش سهام با حق رأی سهامداران دارای خالص ارزش (که می‌تواند مثبت یا منفی باشد) نیز باشند، اگر سهام در بازار معامله شود یا ارزش آن به طور مستقل تعیین گردد. این مورد به دلیل آن است که سهام در ترازنامه شرکت عمومی به قیمت فعلی بازار خود در تاریخ ترازنامه درج می‌شود.

۲۳۳-۷ اگر ارزش فعلی بازار برای سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری به صورت مستقل قابل تعیین نباشد یا در بازار معامله نشود، یک محاسبه جایگزین مشابه با روش محاسبه شبه شرکت‌ها (بند ۷,۲۳۲ را مشاهده نمایید) انجام می‌شود. این روش ارزش سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای محاسبه می‌کند که خالص ارزش دارایی شرکت عمومی صفر می‌شود.

۳- اقلام یادداشتی

۲۳۴-۷ ممکن است اقلام یادداشتی برای ارائه اطلاعات تکمیلی درباره این اقلام (مانند کلان اقلام و اقلام ترازکننده) مرتبط با ترازنامه که درج نشده‌اند، مطلوب باشد. جدول ۲ اقلام یادداشتی را در ترازنامه پیشنهادی چارچوب GFS نشان می‌دهد (اقلام اضافی و اقلام فرعی در صورت نیاز ممکن است به آن اضافه شوند).

۳-۱- خالص ارزش مالی (6M2)

۲۲۵-۷ خالص ارزش مالی (6M2) یک واحد نهاده (گروه‌بندی از واحدها) عبارت است از کل ارزش دارایی‌های مالی منهای کل ارزش بدهی‌های آن واحد. این قلم ترازکننده حساب‌ها غالباً در ترازنامه می‌آید؛ به دلیل تأثیر کل دولت و بخش‌های عمومی بر نظام مالی و همچنین به دلیل مشکلات در ارزیابی دارایی‌های غیرمالی منحصر به دولت.

جدول ۲: طبقه‌بندی اقلام یادداشتی ترازنامه

خالص ارزش مالی	6M2
بدهی ناخالص به ارزش بازار	6M3
بدهی ناخالص به ارزش اسمی	6M4
بدهی ناخالص به ارزش درج شده در اوراق	6M35
بدهی خالص به ارزش بازار	6M36
بدهی خالص به ارزش اسمی	6M37
بدهی خالص به ارزش درج شده در اوراق	6M38
وام‌های امتیازی به ارزش اسمی	6M391
مبادلات ضمنی ناشی از وام‌های با نرخ بهره اعطایی	6M392
معوقات	6M5
بدهی‌های مشروط صریح	6M6
بدهی تضمین شده عمومی	6M61
سایر ضمانت‌های یکجا	6M62
بدهی‌های مشروط صریح که در جای دیگر طبقه‌بندی نشده‌اند	6M63
تعهدات ضمنی خالص برای مزایای تأمین اجتماعی آتی	6M7
دارایی‌های وام غیرجاری به ارزش منصفانه	6M8
دارایی‌های وام غیرجاری به ارزش اسمی	6M81

۳-۲- بدهی^۱

۳-۲-۱- بدهی ناخالص

۲۳۶-۷ بدهی ناخالص کل - که اغلب به عنوان «کل بدهی» یا «کل تعهدات بدهی اشاره می‌شود» - شامل تمام بدهی‌هایی است که به صورت ابزارهای بدهی هستند. ابزار بدهی به عنوان یک مطالبه مالی تعریف می‌شود که پرداخت(های) بهره و/ یا اصل بدهی بدهکار را به بستانکار در تاریخ یا تاریخ‌های آتی الزام‌آور می‌کند. ابزارهای زیر ابزارهای بدهی هستند:

- حق برداشت مخصوص (SDRs)

- پول و سپرده‌ها

- اوراق بدهی

- وام‌ها

- بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]

- سایر حساب‌های پرداختنی

۲۳۷-۷ از فهرست اشاره شده در بالا، مشخص می‌باشد که تمام بدهی‌هایی که در ترازنامه GFS درج شده است، به استثنای بدهی‌ها از نوع سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری و مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان، به عنوان بدهی در نظر گرفته می‌شوند. سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ابزارهای بدهی نیستند، زیرا دارندگان آنها از سود سهام برخوردار بوده و حق مطالبه از باقیمانده ارزش واحد را دارند. مشتقات مالی نیز ابزارهای بدهی نیستند، زیرا منابع مالی یا منابع دیگری را عرضه نمی‌کنند بلکه خطرات مبادله را از یک طرف مبادله به طرف دیگر منتقل می‌نمایند.

۲۳۸-۷ همان‌طور که در راهنمای آمار بدهی بخش عمومی PSDS توصیه شده است، ابزارهای بدهی باید در تاریخ تعیین شده به ارزش اسمی و برای اوراق بدهی معامله شده نیز به ارزش بازار ارزیابی گردند. هر دو مبنای ارزش‌گذاری، اطلاعات مفیدی درباره بدهی ارائه می‌دهند. اگر ارزش اسمی و بازاری ابزارهای بدهی در دسترس نباشد، بدهی ناخالص به ارزش درج شده روی اوراق است. اصول ارزش‌گذاری این انحرافات باید همیشه در پاورقی‌های ترازنامه مشخص شود.

۲۳۹-۷ این ارزش‌گذاری بدهی ناخالص به نوبه خود در بندهای ۷,۲۴۰-۷,۲۴۲ مورد بحث قرار گرفته است. برای جزئیات بیشتر در مورد ارزش‌گذاری به بندهای ۳,۱۰۷-۳,۱۲۹ مراجعه نمایید.

^۱ برای گفتگوی مفصل در مورد جمع‌آوری بدهی بخش عمومی، به راهنمای PSDS مراجعه کنید.

بدهی ناخالص به ارزش بازار (6M3)

۷-۲۴۰ بدهی ناخالص به ارزش بازار (6M3) به این معنا است که اوراق بدهی بر اساس قیمت‌های بازار ارزش‌گذاری می‌شود. بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد نیز مطابق با اصولی ارزش‌گذاری می‌گردند که معادل ارزش‌گذاری بازار است و سایر ابزارهای بدهی به قیمت‌های اسمی ارزش‌گذاری می‌شوند که به عنوان بهترین نماینده قیمتی موجود از قیمت‌های بازاری آنها است.

بدهی ناخالص به ارزش اسمی

۷-۲۴۰ (6M4) بدهی ناخالص به ارزش اسمی به این معنی است که اوراق بدهی به ارزش اسمی‌شان ارزش‌گذاری می‌شوند. ارزش اسمی یک ابزار بدهی در هر لحظه از زمان مقدار بدهی است که بدهکار به بستانکار مدیون است. این یک سنجه ارزش از دیدگاه بدهکار است.

بدهی ناخالص به ارزش مندرج در اوراق بدهی (6M35)

۷-۲۴۲ ارزش مندرج در اوراق بدهی یک ابزار بدهی مبلغ تنزیل نشده اصل بدهی است که باید در سررسید (قبل از آن) بازپرداخت شود و در برخی موارد از آن به عنوان ارزش اسمی یاد می‌شود. استفاده از ارزش مندرج در برگ اوراق به عنوان نماینده ارزش اسمی در اندازه‌گیری وضعیت بدهی ناخالص می‌تواند منجر به رویکردی ناسازگار در همه ابزارها گردد و توصیه نمی‌شود، مگر اینکه ارزش‌های اسمی و بازاری در دسترس نباشد.

۳-۲-۲- بدهی خالص

۷-۲۴۳ بدهی خالص از طریق اختلاف بین بدهی ناخالص و دارایی‌های مالی متناظر با ابزارهای بدهی محاسبه می‌شود. دارایی‌های مالی متناظر با ابزارهای بدهی عبارت‌اند از:

– طلا و حق برداشت مخصوص (SDRs)

– ارز و سپرده‌ها

– اوراق بدهی

– وام‌ها

– بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]

– سایر حساب‌های دریافتنی

۷-۲۴۴ طلای پولی همان‌طور که در سیستم حسابداری ملی ۲۰۰۸ و در این مجموعه راهنما تعریف شده است، شامل عناصر یک ابزار بدهی (حساب‌های غیراختصاصی طلا) و یک ابزار غیربدهی (شمش‌های طلا) است. در اصل، اجزای طلای پولی از نوع شمش‌های طلا باید از محاسبه خالص بدهی حذف شود. با این حال،

در عمل ممکن است لازم باشد از کل میزان طلای پولی در محاسبه بدهی خالص استفاده شود، زیرا تهیه‌کنندگان آمار بدهی بخش عمومی امکان ندارد شمش‌های طلا را در این محاسبه حذف کنند.

۷-۲۴۵ بدهی خالص را می‌توان به ارزش بازار (6M36)، ارزش اسمی (6M37) و ارزش مندرج در برگ اوراق (6M38) محاسبه کرد.

۳-۲-۳- وام‌های ترجیحی

۷-۲۴۶ وام‌های با نرخ بهره ترجیحی را می‌توان به عنوان وامی در نظر گرفت که سودی را برای وام‌گیرنده در قالب منفعت برابر با تفاوت بین نرخ بهره واقعی قابل پرداخت و نرخ بهره معادل در بازار (اگر وجود داشته باشد) انتقال می‌دهد. اگر به چنین انتقالی اذعان شود، این انتقال معمولاً تحت عنوان انتقال جاری/بلاعوض (بسته به نوع دریافت‌کننده وام) ثبت شده و این سود نیز به همان میزان تعدیل می‌گردد. با این حال، ابزارهای لازم برای لحاظ کردن تأثیر نرخ‌های بهره ترجیحی در آمارهای اقتصاد کلان به طور کامل توسعه نیافته‌اند، هرچند جایگزین‌های مختلفی تولید و معرفی شده‌اند.^۱

بر این اساس تا زمان رسیدن به توافق پیرامون نحوه برخورد با وام‌های ترجیحی اطلاعات درباره بدهی ترجیحی باید از طریق اطلاعات تکمیلی در قالب دو قلم یادداشت (تفاهم‌نامه) ارائه شود. قلم اول موجودی وام‌های ترجیحی را به ارزش اسمی (M391۶) نشان می‌دهد. قلم دوم تخمینی از ارزش سود منتقل شده به وام‌گیرنده را نشان می‌دهد- یعنی ارزش انتقال ضمنی ناشی از وام‌ها با نرخ بهره ترجیحی (M392۶) که در پاورقی^۱ نحوه محاسبه آن تشریح شده است.

۳-۳-۳- معوقات (6M5)

۷-۲۴۷ تعریف معوقات عبارت است از مبالغی که هم پرداخت‌نشده و هم از تاریخ سررسید پرداخت آن گذشته است. در اصل، مبالغ قابل پرداخت برای هر هزینه، تحصیل دارایی یا مرتبط به هر بدهی که ممکن است معوقه باشد.^۲

۱. سود یکجا در نقطه شروع وام را می‌توان معادل تفاوت بین ارزش اسمی بدهی و ارزش فعلی آن با استفاده از نرخ تنزیل بازار مربوطه محاسبه کرد. این گزینه مزیت در نظر گرفتن تمام منابع احتمالی نقل و انتقالات در امتیاز بدهی - دوره سررسید، دوره مهلت و دفعات پرداخت و همچنین نرخ بهره را دارد و با ارزش‌گذاری اسمی وام‌ها سازگار است. چنین رویکردی باید برای اعطای وام رسمی که دارای اهداف انتقال منفعت و وقوع در یک محیط غیرتجاری (معمولاً دولت به دولت) است، استفاده شود. به عنوان مثال، در سازماندهی مجدد بدهی از طریق باشگاه پاریس، کاهش بدهی به ارزش فعلی با استفاده از نرخ تنزیل مبتنی بر بازار، معمولاً نرخ مرجع بهره تجاری OECD (CIRR) محاسبه می‌شود. تفاوت بین ارزش اسمی بدهی قابل اعمال و ارزش فعلی آن، مبلغ انتقال سرمایه حاصل از ترتیبات سازماندهی مجدد بدهی است. برای جزئیات بیشتر، به راهنمای PSDS، بندهای ۴،۸۳-۴،۸۶ مراجعه کنید.

۲. در برخی موارد، معوقات به دلایل عملیاتی (مانند تأخیرهای جزئی اداری) به جای عدم تمایل یا ناتوانی در پرداخت به وجود می‌آید. با این وجود، در اصل، در مواقعی که چنین معوقاتی در تاریخ سررسید هنوز پرداخت نشده‌اند باید تحت عنوان معوقه ثبت شوند.

در مورد تعهدات بدهی، معوقات زمانی ایجاد می‌شود که اصل یا بهره در زمان سررسید پرداخت نشود. در مورد هزینه و تحصیل دارایی‌های غیرمالی، مبالغ قابل پرداخت ممکن است از ابتدا معوقه باشد. به عنوان مثال، زمانی که مبالغ قابل پرداخت برای جبران خدمات کارکنان در زمان سررسید پرداخت نشود، سایر حساب‌های پرداختنی برای جبران خدمات کارکنان دارای معوقه می‌شوند. همچنین زمانی که در قراردادی، پرداخت بابت تحویل کالا و خدمات یا دارایی‌های غیرمالی پیش‌بینی شده باشد و این مبالغ قابل پرداخت در زمان تحویل کالا و خدمات تسویه نشود، سایر حساب‌های پرداختنی برای این کالاها و خدمات یا دارایی‌های غیرمالی از ابتدا دارای معوقه می‌شوند.

۲۴۸-۷ وقتی یک تعهد بدهی موجود با معوقه مواجه شود، باید کماکان در همان ابزار بدهی نشان داده شوند تا زمانی که بدهی تسویه گردد. با این حال، اگر در قرارداد تغییری در ویژگی‌های ابزار مالی در صورت مواجهه با معوقه، پیش‌بینی شده باشد، این تغییر باید به عنوان یک طبقه‌بندی مجدد از طریق انجام تغییرات دیگر در حجم دارایی‌ها و بدهی‌ها ثبت شود (برای مشاهده بند ۳،۹۷، ۹،۲۱ و ۱۰،۸۴).

۲۴۹-۷ اگر در یک نظام حسابداری نقدی، معوقه‌ها به طور جداگانه ثبت نشوند، تهیه‌کنندگان اطلاعات آماری باید اطلاعات تکمیلی را برای تخمین معوقه‌ها جمع‌آوری کنند. اطلاعات مربوط به معوقه‌ها برای انواع مختلف تحلیل‌های سیاستی و ارزیابی توان بازپرداخت مفید است و باید به عنوان یک قلم یادداشت (تفاهم‌نامه) در جایی مهم از ترازنامه نشان داده شود. اطلاعات مربوط به معوقه‌ها باید از زمان ایجاد آنها- یعنی از زمانی که پرداخت‌ها متوقف می‌شود- تا زمان تسویه آنها جمع‌آوری شود- وقتی که بدهی‌های معوقه بازپرداخت شوند، در زمان بازپرداخت آنها تجدیدنظر شود یا توسط طلبکار مشمول بخشودگی گردد یا زمانی که (مثلاً) معوقه‌های پرداخت حقوق و دستمزد پرداخت شوند.

۲۵۰-۷ ارزش اسمی معوقه‌ها برابر است با ارزش پرداخت‌ها- بهره و اصل در مورد تعهدات بدهی- پرداخت‌نشده‌ها و هر جریان اقتصادی بعدی مانند انباشت بهره اضافی در معوقه تعهدات بدهی یا تسویه معوقه‌ها (همچنین به بندهای ۹،۲۲-۹،۲۳ مراجعه کنید).

۳-۴- بدهی‌های مشروط صریح

۳-۴-۱- نگاه کلی

۲۵۱-۷ بدهی‌های مشروط خطرات مالی ایجاد می‌کنند و ممکن است ناشی از سیاست‌های عمومی عامدانه یا رویدادهای پیش‌بینی نشده مانند بحران مالی باشد. بدهی‌های مشروط از آن دسته تعهداتی هستند که به وجود نمی‌آیند مگر اینکه یک رویداد(های) خاص و معینی در آینده رخ دهد. تفاوت کلیدی بین بدهی‌های مشروط و تعهدات بدهی این است که قبل از اذعان به یک بدهی مشروط به عنوان بدهی باید یک یا چند شرط

محقق شود. در مورد تعهدات بدهی‌های مشروط، نوعاً عدم اطمینانی نسبت به پرداخت و اندازه تعهدات بدهی وجود دارد.^۱

۷-۲۵۲ بین بدهی‌های مشروط صریح و ضمنی تمایزی در نظر گرفته می‌شود. تعریف بدهی‌های مشروط صریح این است: ترتیبات مالی حقوقی یا قراردادی که منجر به الزامات مشروط برای پرداخت ارزش اقتصادی می‌شوند. این الزامات در صورت بروز یک یا چند شرط مشخص لازم‌الاجرا می‌گردند. در مقابل، بدهی‌های ضمنی ریشه در مسائل حقوقی یا قراردادی ندارد و از آنها ناشی نمی‌شوند؛ اما پس از بروز یک شرط یا رویداد بدهی محرز می‌گردد. در حالی که تمرکز GFS (و سایر نظام‌های آماری اقتصاد کلان) عمدتاً بر روی بدهی‌های مشروط صریح است، بدهی‌های مشروط مانند خالص بدهی‌های ضمنی برای مزایای تأمین اجتماعی آتی (به بند ۷،۲۶۱ مراجعه کنید)، عوامل مهمی در تحلیل‌های خطر مالی و آسیب‌پذیری هستند.

نمونه‌های دیگر از تعهدات مشروط ضمنی شامل این موارد است: تضمین توان پرداخت بخش بانکی، پوشش تعهدات سطوح پایین دولت (دولت‌های ایالتی و محلی) یا بانک مرکزی در صورت نکول، پذیرش بدهی‌های تضمین نشده واحدهای بخش عمومی توسط دولت و هزینه‌های بالقوه برای عملیات امدادی در بلایای طبیعی.^۲ ۷-۲۵۳ شکل ۷،۲ یک نگاه کلی از بدهی‌ها و بدهی‌های ضمنی در آمارهای اقتصاد کلان ارائه می‌دهد. بدهی‌های مشروط صریح می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، اگرچه ضمانت‌ها، رایج‌ترین آنها هستند. با این حال، همه ضمانت‌ها، بدهی‌های مشروط نیستند؛ همان‌طور که در ابتدای این فصل مورد بحث قرار گرفت. ضمانت‌ها به صورت مشتقات مالی و منابع کنار گذاشته برای مواقع فراخوان شدن بدهی در طرح‌های ضمانت استاندارد، به عنوان بدهی در ترازنامه محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، ضمانت‌های موردی به عنوان بدهی‌های ضمنی هستند.

۷-۲۵۴ بدهی‌های مشروط صریح شامل:

- بدهی تضمین شده عمومی (6M61)، ضمانت‌های موردی در قالب ضمانت‌های وام و سایر ابزارهای بدهی است (به بندهای ۷،۲۵۹-۷،۲۶۰ مراجعه کنید).
- سایر ضمانت‌های موردی (6M62) برای سایر بدهی‌های تضمین شده عمومی (به بندهای ۷،۲۵۹-۷،۲۶۰ مراجعه کنید).
- بدهی مشروط صریح که در جای دیگری طبقه‌بندی نشده‌اند (6M63)، بدهی‌های مشروط صریح هستند که به شکل ضمانت نیستند، برای مثال:

۱. عدم اطمینان در مورد اندازه بالقوه بدهی‌ها آنها را به بدهی‌های مشروط تبدیل نمی‌کند.
۲. در این کتاب راهنما و دستورالعمل راهنمای آمار بدهی بخش عمومی - PSDS توصیه شده است که خالص تعهدات برای مزایای تأمین اجتماعی آتی به عنوان یک قلم یادداشت جداگانه در ترازنامه گنجانده شود - که این قلم اغلب به عنوان بزرگ‌ترین بدهی ضمنی مشروط دولت است.

- دعاوی حقوقی مشروط که دعاوی ناشی از پرونده‌های مسئله‌دار تحت بررسی است.^۱
- غرامت تعهداتی برای پذیرش خطر از دست دادن یا خسارتی است که ممکن است طرف دیگر متحمل شود (به عنوان مثال، غرامت در مقابل بدهی‌های مالیاتی پیش‌بینی نشده ناشی از قراردادهای دولت با سایر واحدها).
- سرمایه فراخوان نشده، یک تعهد سهامدار است که در صورت درخواست واحد تجاری که او در آن سهامدار است بابت تأمین سرمایه اضافی آن واحد باید پرداخت کند (به عنوان مثال، تعهد یک مؤسسه مالی بین‌المللی).
- پرداخته‌ای بالقوه ناشی از ترتیبات مشارکت عمومی - خصوصی مشروط PPP.

۷-۲۵۵ اطلاعات مربوط به وضعیت بار مالی ضمانت‌های موردی با سیاست مالی عمومی و تحلیل آن مهم و مرتبط است و همچنین با وضعیت بار مالی بدهی تضمین شده عمومی (دولت) ارتباط دارد. توصیه می‌شود که بدهی تضمین شده عمومی (دولت) (6M61) بر حسب ارزش اسمی به عنوان یک قلم یادداشت در ترازنامه نشان داده شود. اطلاعات مربوط به سایر ضمانت‌های موردی (6M62) و بدهی‌های صریح که در جای دیگری طبقه‌بندی نشده‌اند (6M63) اگر قابل توجه باشد نیز باید به عنوان یک قلم یادداشت در ترازنامه بر حسب ارزش اسمی درج شوند.^۲ ضمانت‌های موردی در بندهای ۷,۲۵۶-۷,۲۶۰ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۳-۴-۲- ضمانت‌های موردی

۷-۲۵۶ ضمانت‌های موردی شامل آن دسته از ضمانت‌ها است که در آن ابزارهای بدهی به قدری حالت خاص دارند که ممکن نیست با هر درجه دقت میزان خطر مرتبط با بدهی را محاسبه نمود. در مقایسه با ضمانت‌های استاندارد، ضمانت‌های یک‌باره حالت موردی دارد و ضامن قادر نیستند که یک برآورد مطمئن از خطر فراخوان شدن بدهی را انجام دهند.

۷-۲۵۷ در بیشتر موارد، ضمانت‌های موردی به عنوان یک تعهد مشروط ضامن در نظر گرفته می‌شود. تعهدات تحت ضمانت‌های موردی همچنان به بدهکار نسبت داده می‌شوند نه به ضامن، مگر زمانی که این ضمانت فراخوان شود.

۷-۲۵۸ در مقابل، ضمانت موردی که دولت به یک شرکت دارای مشکل مالی اعطا می‌کند که احتمال فراخوان شدن ضمانت بسیار بالا است، به گونه در نظر گرفته می‌شود که گویی از ابتدا فراخوان شدن آن محرز بوده

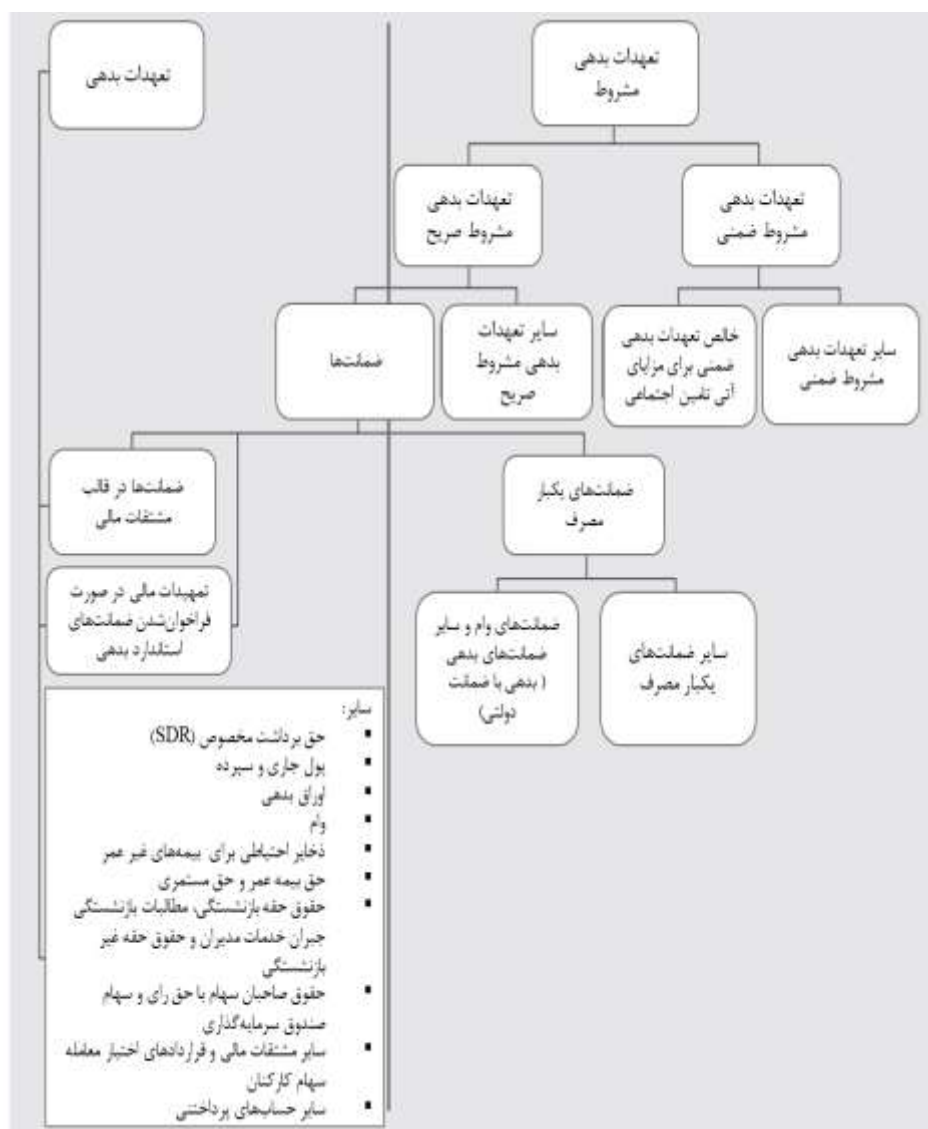
۱. یک مورد حقوقی مسئله‌دار در درست بررسی نیز می‌تواند یک دارایی مشروط باشد - برای مثال، پرونده‌ای که در آن دولت علیه طرف دیگری ادعای خسارت کرده است.

۲. محدودیت‌های این رویکرد این است که هیچ اطلاعاتی در مورد احتمال وقوع حادثه ارائه نمی‌دهد و ممکن است خطر احتمالی را بیش از حد اعلام کند. برای وام و سایر ضمانت‌های ابزارهای بدهی، حداکثر ضرر احتمالی کمتر از ارزش اسمی آنها خواهد بود، زیرا همه بدهی‌ها نکول نمی‌شوند. چندین رویکرد دیگر وجود دارد که به محدودیت‌های ارزش‌گذاری بدهی‌های مشروط صریح می‌پردازند. این رویکردها به تفصیل در فصل ۴ راهنمای PSDS و در فصل ۹ راهنمای EDS مورد بحث قرار گرفته‌اند. اتخاذ رویکرد واقعی در این موارد به در دسترس بودن اطلاعات در مورد نوع بدهی مشروط بستگی دارد. به همین دلیل، ارائه فراداده در مورد روش(های) مورد استفاده برای ارزش‌گذاری بدهی‌های مشروط اهمیت ویژه‌ای دارد.

است. فراخوان شدن چنین ضمانت‌موردی به عنوان پذیرش بدهی تلقی می‌شود و این تعهد جزء ترازنامه واحد بخش عمومی است.

۷-۲۵۹ ضمانت‌های موردی را می‌توان به وام و سایر ضمانت‌های ابزار مالی و ضمانت‌های موردی گروه‌بندی کرد:

- ضمانت‌های وام و سایر ضمانت‌های بدهی - یا ضمانت‌های پرداخت‌موردی - تعهداتی هستند که یک‌طرف خطر عدم پرداخت از سوی طرف دیگر را متحمل می‌شود. ضامن‌ها فقط در صورت نکول بدهکار ملزم به پرداخت هستند. ضمانت‌های وام‌ها و سایر ضمانت‌های بدهی، بدهی تضمین‌شده عمومی (دولت) را تشکیل می‌دهند که به عنوان تعهدات بدهی واحدهای بخش عمومی و خصوصی تعریف می‌شود که پرداخت بهره این بدهی‌ها توسط واحدهای بخش عمومی طبق قرارداد تضمین می‌گردد.
- سایر ضمانت‌های موردی شامل ضمانت‌های اعتباری (مانند خطوط اعتباری و تعهدات وام)، ضمانت‌های مشروط برای دسترسی به اعتبار و تسهیلات اعتباری مشروط است. خطوط اعتباری و تعهدات اعطای وام در حکم یک تضمین عمل می‌کنند، یعنی اینکه وجوه اعتباری برداشت نشده در آینده برای وام‌گیرنده در دسترس خواهد بود؛ اما تا زمانی که چنین وجوهی واقعاً تأمین نشده باشد، بدهی/دارایی مالی وجود ندارد. خطوط اعتباری پرداخت نشده و تعهدات اعطای وام که توزیع نشده باشد، درواقع از زمره تعهدات بدهی‌های مشروط نهادهای اعطاکننده هستند که معمولاً شامل بانک‌ها می‌شود.
- اعتبارات اسنادی درواقع وعده پرداخت هستند که با ارائه اسناد از پیش مشخص شده صورت می‌گیرد. تسهیلات انتشار اوراق تجاری، تضمینی را فراهم می‌کند که به واسطه آن وام‌گیرنده قادر به انتشار اوراق کوتاه مدت خواهد بود و نهاد یا نهادهای پذیرهنویس تعهد خرید باقیمانده اوراق فروش نرفته را به عهده خواهند گرفت. تنها زمانی که وجوه مورد نیاز وام‌گیرنده توسط مؤسسه یا مؤسسه‌های پذیرهنویس تأمین شود، بدهی/دارایی ایجاد می‌شود. بخش استفاده نشده، اوراق منتشره به عنوان یک بدهی مشروط به حساب می‌آید. سایر تسهیلات ضمانت اسنادی که تسهیلات اعتباری مشروط یا تسهیلات پشتیبانی خرید اوراق باقی‌مانده را ارائه می‌دهد شامل تسهیلات پذیرهنویسی گردان، تسهیلات چندگزینه‌ای و تسهیلات اوراق جهانی است. بانک‌ها و نهادهای مالی غیربانکی تسهیلات پشتیبانی خرید ارائه می‌دهند. دوباره در اینجا هم اوراق فروش نرفته در زمره بدهی‌های مشروط به حساب می‌آید.
- ۷-۲۶۰ ضمانت‌های وام و ضمانت‌های سایر ابزارهای بدهی (بدهی‌های تضمین شده عمومی-دولت) از سایر انواع ضمانت‌های موردی متفاوت است، زیرا ضامن، پرداخت اصل و فرع بدهی سایر واحدهای بخش دولتی و خصوصی را ضمانت می‌کند. در مورد سایر ضمانت‌های موردی، تعهد مالی بدهی/دارایی وجود ندارد تا زمانی که وجوه مالی مورد نظر تأمین یا عرضه شود.



شکل ۲: مروری بر بدهی‌ها و بدهی‌های مشروط در آمارهای اقتصاد کلان

۱. بدهی‌های مربوط به طرح‌های بازنشستگی کارفرمایی غیرمستقل و بدون منبع مالی از قبل پیش‌بینی شده را شامل می‌شود.
۲. بدهی‌های مربوط به طرح‌های بازنشستگی کارفرمایی غیرمستقل و بدون منبع مالی از قبل پیش‌بینی شده را شامل نمی‌شود.

۳-۵- خالص تعهدات ضمنی برای مزایای آتی تأمین اجتماعی (6M7)

۷-۲۶۱ همان‌طور که در بند ۷،۱۹۴ و A2.39 توضیح داده شده است، در نظام‌های آماری اقتصاد کلان، هیچ تعهدی برای مزایای تأمین اجتماعی - مانند مزایای بازنشستگی (به غیر از بازنشستگی‌های مرتبط با اشتغال) و مزایای درمانی - قابل پرداخت در آینده پذیرفته نشده است. این تعهدات ضمنی برای پرداخت مزایای تأمین اجتماعی در آینده تعهدات قراردادی نیستند و بنابراین در ترازنامه ثبت نمی‌شوند (به بند ۷،۲۵۲ مراجعه نمایید). ارزش فعلی مزایای تأمین اجتماعی که پیش‌تر بر اساس قوانین و مقررات موجود حاصل شده‌اند؛ اما در آینده قابل پرداخت هستند، باید به شیوه‌ای مشابه با تعهدات بدهی در یک طرح بازنشستگی مرتبط با اشتغال

محاسبه شود. این مقدار منهای ارزش فعلی حق بیمه تأمین اجتماعی، نشانگر خالص تعهدات ضمنی یک واحد دولتی برای مزایای تأمین اجتماعی قابل پرداخت در آینده است.

۳-۶- دارایی‌هایی از جنس وام‌های مشکوک الوصول به ارزش بازار

۲۶۲-۷ وام‌های مشکوک الوصول از آن دسته وام‌هایی هستند که (۱) از سررسید پرداخت‌های اصل و/ یا بهره آنها سه ماه (۹۰ روز) یا بیش از سه ماه گذشته باشد؛ یا (۲) پرداخت‌های بهره معادل سه ماه (۹۰ روز) یا بیشتر از سه ماه به مبلغ اصلی وام اضافه شده (سرمایه‌گذاری مجدد به مبلغ اصلی) یا پرداخت با توافق طرفین به تعویق افتاده است؛ یا (۳) شواهد دال بر طبقه‌بندی مجدد یک وام تحت عنوان مشکوک الوصول وجود داشته باشد حتی در صورت عدم تأخیر در پرداخت وام در سررسید ۹۰ روزه مانند زمانی که بدهکار درخواست ورشکستگی می‌کند. مانده بدهی‌های سررسیده شده به عنوان بدهی قانونی بدهکار در نظر گرفته می‌شود و باید همچنان به آن بهره تعلق گیرد، مگر اینکه بدهی تسویه شده باشد (مثلاً با بازپرداخت یا در نتیجه توافق دوجانبه بین بدهکار و بستانکار).

۲۶۳-۷ همان‌طور که قبلاً در این فصل اشاره شد، وام‌ها به ارزش اسمی ثبت می‌شوند (مبلغ وام پرداخت شده به علاوه بهره تعلق گرفته و پرداخت نشده منهای بازپرداخت‌ها). پذیرفته شده است که ارزش اسمی تصویر کاملی از وضعیت مالی بستانکار ارائه نمی‌دهد، به ویژه زمانی که وام‌ها وضعیت مشکوک الوصول پیدا می‌کنند. در چنین مواردی، اطلاعات مربوط به ارزش اسمی (6M81) و همچنین ارزش بازار (6M8)، دارایی‌ها از جنس وام مشکوک الوصول باید به عنوان یک قلم یادداشت در ترازنامه درج گردد.

۴- طبقه‌بندی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی معامله گران بر اساس بخش نهادی

۲۶۴-۷ بخش قبلی به بررسی طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی مبتنی بر ویژگی‌های ابزار مالی ذی‌ربط مطالبات مالی پرداخت. برای درک کامل‌تر دارایی‌ها و بدهی‌های مالی کل دولت یا بخش عمومی، به عنوان مثال طبقه‌بندی بدهی‌ها مطابق با بخش‌های اقتصادی که منابع تأمین مالی را فراهم می‌کنند (منابع تأمین مالی)، طبقه‌بندی بر اساس نوع ابزار مالی را تکمیل می‌نماید. اطلاعات درباره روابط بدهکار-بستانکار بین بخش‌ها و زیربخش‌ها برای تلفیق داده‌های GFS ضروری است. طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌ها بر اساس اینکه طرف‌های معامله در این بازارها یک شرکت عمومی یا خصوصی غیرمالی یا مالی است، برای تهیه ترازنامه تلفیقی دقیق کل دولت یا بخش عمومی ضروری خواهد بود.

۲۶۵-۷ در تمام مطالبات مالی دو طرف معامله درگیر است. در نتیجه، این امکان وجود دارد که ابزارهای مالی مرتبط با مطالبات مالی را بر اساس چند مبنا در ارتباط با بخش مرتبط طبقه‌بندی نمود و در این راستا تمایز بین واحدهای دولتی مقیم و غیرمقیم را مورد توجه قرار داد.^۱ این طبقه‌بندی تکمیلی در جدول ۳ ارائه شده است که باید به‌طور جداگانه برای دارایی‌ها و بدهی‌های مالی تهیه شود.^۲

۱. اگرچه برای شمش طلا، طبق عرف قراردادی، قلم متناظر وجود ندارد، قلم متناظر وضعیت دارایی مالی واحد دولتی از نظر شمش طلا در جدول ۷، ۱۱ با عنوان «سایر افراد غیر مقیم» نشان داده شده است.

۲. برای شرح طبقه‌بندی بخش به فصل ۲ این راهنما و SNA سال ۲۰۰۸، فصل ۴ مراجعه کنید. مسائل مربوط به شناسایی قلم متناظر اوراق بدهی معامله شده در راهنمای PSDS، فصل ۷ مورد بحث قرار گرفته است.

۵- طبقه‌بندی تعهدات بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متناظر با ابزارهای بدهی بر اساس

سررسید

۷-۲۶۶ طبقه‌بندی تکمیلی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متناظر با ابزارهای بدهی بر اساس سررسید و نوع ابزار مالی، اطلاعاتی درباره ابعاد نقدشوندگی بدهی ارائه می‌دهد. سررسید یک ابزار بدهی به زمانی اشاره دارد که در آن زمان بدهی بر اساس قرارداد بین بدهکار و بستانکار تسویه می‌شود. سررسید یک ابزار بدهی می‌تواند کوتاه مدت یا بلندمدت باشد:

- کوتاه مدت به عنوان سررسید بدهی تعریف می‌شود که به مدت یک سال یا کمتر بدهی قابل پرداخت است. این گروه شامل بدهی‌های معوق و بهره بدهی معوق است.
- بلندمدت به عنوان سررسید بدهی تعریف می‌شود که دارای مدت بیش از یک سال یا بدون سررسید مشخص است (به غیر از بدهی که در صورت تقاضا قابل پرداخت است؛ بنابراین به عنوان کوتاه‌مدت در نظر گرفته می‌شود).

۷-۲۶۷ سررسید می‌تواند به موارد زیر مرتبط باشد:

- سررسید اولیه، دوره‌ای است از تاریخ صدور تا تاریخ پرداخت نهایی که طبق قرارداد در قالب جدول زمانی معین شده است.
- سررسید باقیمانده یا سررسید پس‌ماند که دوره آن از تاریخ مرجع (تاریخ ترازنامه) تا تاریخ پرداخت نهایی که طبق قرارداد در قالب جدول زمانی معین شده است.

۷-۲۶۸ این راهنما یک طبقه‌بندی سه‌جانبه را توصیه می‌کند (به جدول ۳ مراجعه کنید) که امکان استخراج آمار بدهی را بر اساس سررسید اولیه و باقیمانده فراهم می‌نماید:

- بدهی کوتاه‌مدت بر اساس سررسید اولیه
 - بدهی بلندمدت که زمان پرداخت آن در یک سال یا کمتر به سررسید می‌رسد
 - بدهی بلندمدت که زمان پرداخت آن بیش از یک سال به سررسید می‌رسد
- ۷-۲۶۹ برای استخراج بدهی کوتاه‌مدت بر اساس سررسید باقیمانده، می‌توان دومین مورد فوق را با اولین مورد ترکیب کرد. برای استخراج بدهی بلندمدت بر اساس سررسید اولیه، می‌توان دومین مورد فوق را با سومین مورد فوق ترکیب کرد. سایر بدهی‌های تجمیع شده بر اساس سررسید اولیه یا سررسید باقیمانده می‌توانند مستقیماً از جدول ۳ استخراج شوند. طبقه‌بندی کدها در جدول ۳ متناظر با کدها در جدول است که تنها یک پسوند برای نشان دادن نوع سررسید اضافه شده است.

جدول ۳: طبقه‌بندی متناظر دارایی‌های مالی و بدهی‌های بر اساس بخش نهادی طرف متناظر

سایر حساب‌های دریافتی/پرداختی	مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	بیمه، بیمه، بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]	سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	وام	اوراق بدهی	ارز و سپرده	طلای پولی ^۱ و حقوق برداشت مخصوص (SDR)	
								دارایی‌های مالی
								بدهکاران داخلی
								کل دولت ^۲
								بانک مرکزی
								شرکت‌های سپرده پذیر به جز بانک مرکزی
								شرکت‌های عمومی سپرده پذیر به جز بانک مرکزی
								شرکت‌های خصوصی سپرده پذیر به جز بانک مرکزی
								سایر شرکت‌های مالی
								سایر شرکت‌های مالی عمومی
								سایر شرکت‌های مالی خصوصی
								شرکت‌های غیرمالی
								شرکت‌های غیرمالی دولتی
								شرکت‌های غیرمالی خصوصی

۱. شمش طلا طرف متناظر ندارد. طبق قرارداد، در این جدول، طرف متناظر در موقعیت سهام در شمش طلا به عنوان سایر افراد غیر مقیم نشان داده شده است.

۲. اگر داده‌ها دولت عمومی تلفیقی را پوشش دهند، صفر است. تفکیک بیشتر می‌تواند امکان شناسایی زیر بخش‌ها و واحدهای جداگانه را فراهم کند (جدول ۳،۱ را ببینید).

سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	مشتقات مالی و قراردادهای اختیار معامله سهام کارکنان	بیمه، بیمه، بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]	سهام با حق رأی و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	وام	اوراق بدهی	ارز و سپرده	طلای پولی ^۱ و حقوق برداشت مخصوص (SDR)	
								خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی که ارائه خدمات به خانوارها را انجام می‌دهند.
								بدهکاران خارجی
								دولت عمومی
								سازمان‌های بین‌المللی
								شرکت‌های مالی به جز سازمان‌های بین‌المللی
								بانک‌های مرکزی
								شرکت‌های مالی که در جای دیگر طبقه‌بندی نشده‌اند
								سایر افراد غیر مقیم
								بدهی‌ها
								بستانکار داخلی
								تفکیک نهادی مشابه با فوق
								بستانکار خارجی
								تفکیک نهادی مشابه با فوق

جدول ۴: طبقه‌بندی بدهی‌ها و دارایی‌های مالی مربوط به ابزارهای بدهی بر اساس سررسید و نوع ابزار بدهی

کوته مدت با سررسید باقی‌مانده (الف) + (ب)	بلندمدت با سررسید اصلی			کوته مدت با سررسید اصلی (الف) + (ب)	
	مجموع (b) + (c)	با پرداخت سررسید بیش از یک سال = بلندمدت با سررسید باقی‌مانده (c)	با پرداخت سررسید یک سال یا کمتر (ب)		
					دارایی‌های مالی مربوط به ابزار بدهی
					طلای پولی و حق برداشت مخصوص (SDR)
					ارز و سپرده
					اوراق بدهی
					وام
					بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]
					ذخایر فنی بیمه‌های غیر عمر
					بیمه عمر و حق سنوات
					حقوق بازنشستگی [GFS]
					مطالبات صندوق‌های بازنشستگی از مدیر بازنشستگی
					مقررات خرید تحت طرح‌های ضمانت استاندارد
					سایر حساب‌های دریافتی
					اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت
					سایر حساب‌های دریافتی متفرقه
					ریز اقلام ابزارهای مالی بالا به جز طلای پولی و SDR
					خارجی
					ریز اقلام ابزارهای مالی بالا به جز طلای پولی و SDR

کوتاه مدت با سررسید باقی‌مانده (الف) + (ب)	بلندمدت با سررسید اصلی			کوتاه مدت با سررسید اصلی (الف) + (ب)	
	مجموع (b) + (c)	با پرداخت سررسید بیش از یک سال = بلندمدت با سررسید باقی‌مانده (c)	با پرداخت سررسید یک سال یا کمتر (ب)		
					ابزار بدهی (=بدهی ناخالص)
					حق برداشت مخصوص (SDR)
					ارز و سپرده
					اوراق بدهی
					وام
					بیمه، بیمه بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد [GFS]
					ذخایر فنی بیمه‌های غیرعمر
					بیمه عمر و حق سنوات
					حقوق بازنشستگی [GFS]
					مطالبات صندوق‌های بازنشستگی از مدیر بازنشستگی
					مقررات خرید تحت طرح‌های ضمانت استاندارد
					سایر حساب‌های پرداختی
					اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت سایر حساب‌های پرداختی متفرقه
					داخلی
					ریز اقلام ابزارهای مالی بالا به جز SDR
					ریز اقلام ابزارهای مالی بالا

۷-۲۷ اندازه‌گیری ارزش مانده بدهی بخش عمومی (با تاریخ انقضای اولیه) که یک سال یا کمتر از آن سررسید آنها فرامی‌رسد، ممکن است مشکلات عملی را ایجاد کند که در هر حالت یک سنجه جایگزینی را می‌توان برای اندازه‌گیری آن مورد استفاده قرار داد. ارزش بدون تنزیل پرداخت‌های اصل بدهی درازمدت بخش عمومی (بر

مبنای تاریخ انقضای اولیه) است که در یک سال یا کمتر سررسید آنها فرامی‌رسد. این سنجه جایگزین کاملی نیست که پرداخت‌های بهره را که سررسید آنها در سال آینده فرامی‌رسد تحت پوشش قرار دهد؛ اما می‌توان با استفاده از اصولی که برای پیش‌بینی قسط‌های وام جهت بازپرداخت اصل و فرع وام به کار گرفته می‌شود این سنجه را تهیه کرد.

۷-۲۷۱ آمارهای مرتبط با باقیمانده سررسید ابزارهای مالی ارزیابی خطر نقدینگی را با نشان دادن زمان سررسید پرداخت بدهی‌های بخش عمومی فراهم می‌کند. اطلاعات مربوط به پرداخت‌هایی که در کوتاه‌مدت تا نسبتاً زیاد مدت زمان سررسید آنها فرامی‌رسد، به ویژه برای این تحلیل مرتبط است. آمارهای مربوط به باقیمانده سررسید ابزارهای مالی نیز برای مقاصد مدیریت بدهی استفاده می‌شود. آمارهای مرتبط با زمان سررسید اولیه نشانه‌ای از میزان اعتبار وام‌گیرنده و نوع بازارهایی است که در آن وام می‌گیرد.